

نقش شبکه‌های مهاجرتی در شکل‌گیری جریان مهاجرت از شهرکرد به اصفهان^۱

ملیحه علی‌مندگاری*، حجه‌بی‌بی رازقی نصرآباد**، آرزو محمودی***

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۳)

چکیده

مهاجرت شبکه‌ای شکلی از جابه‌جایی مکانی گروه‌های انسانی بین دو منطقه به نسبت دور از هم است و این تحرک جمعیت به واسطه گسترش مجموعه روابط بین افراد در مبدأ و مقصد صورت می‌گیرد. هدف مقاله حاضر، واکاوی نقش شبکه‌های مهاجرتی در شکل‌گیری جریان مهاجرت از شهرکرد به شهر اصفهان است. روش تحقیق کیفی است و برای دستیابی به نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در این مطالعه با در نظر گرفتن ملاک اشباع نظری با ۲۵ نفر زن و مرد مهاجر که تجربه حداقل دو سال اقامت در شهر اصفهان را داشته‌اند، در سال ۱۳۹۷ مصاحبه شده است. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی، کدگذاری و مقوله‌بندی شده است. یافته‌ها نشان داد شبکه‌های مهاجرتی شامل شبکه خویشاوندی، شبکه خانوادگی، شبکه دوستی و شبکه هم‌محلی مهاجر هستند. شبکه‌ها تسهیل‌گر مهاجرت بوده و افراد با شناسایی، سپس پیوندها و روابطی که با شبکه‌ها برقرار کرده‌اند، تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. شبکه‌ها از طریق ارائه انواعی از حمایت‌های اطلاعاتی، مالی، اجتماعی، عاطفی، شغلی، و کاهش هزینه‌های مهاجرتی زمان لازم برای اقامت و تطبیق مهاجر در مقصد را کاهش داده‌اند. بدین طریق شبکه‌ها با تسهیل و سرعت بخشیدن به روند مهاجرت، تصمیمات و نیات افراد را به واقعیت محقق ساخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، شبکه‌های مهاجرتی، سرمایه اجتماعی، اصفهان، شهرکرد.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده سوم می‌باشد.

* استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

E-mail: m.alimondegari@yazd.ac.ir

** دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه پژوهشی مطالعات خانواده، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: hajiieh.razeghi@nipr.ac.ir ; hajiieh.razeghi@gmail.com

*** دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

E-mail: amahmodi724@gmail.com

مقدمه

روابط اجتماعی موجب بروز تصمیمات و رفتارهای اجتماعی خاصی از طرف افراد می شود که آنان به تنهایی قادر و یا در فکر انجام آن کنش نیستند. ازجمله اینها، تصمیم به مهاجرت است که وجود خویشاوند و آشنا در مقصد مهاجرتی می تواند عمل مهاجرت را برای کنشگر تسهیل نماید (تیلی و براون^۱، ۱۹۶۷: ۱۷۵). به عبارتی، مهاجرین، افراد پیوندیافته ای هستند که تا اندازه ای مقصد خاصی را به سبب اسکان آشنایان خود انتخاب می کنند (لی و روزمن^۲، ۱۹۹۷). بنابراین، در جریان مهاجرت شبکه های مهاجرتی نقش به سزایی می یابند. شبکه های اجتماعی بیشتر به عنوان علیت چرخشی و تراکمی مهاجرت محسوب می شوند. روابط اجتماعی در به وجود آوردن بسترهای اطلاعات، چارچوب ها برای تصمیم گیری و شرایط برای حمایت اجتماعی و ادغام نقش محوری دارند (مسی^۳، ۱۹۹۰: ۲۶۹). شبکه های اجتماعی به عنوان فرآورده های اجتماعی ادراک می شوند که افراد ساکن و اجتماعات موجود در جوامع فرستنده و دریافت کننده را به یکدیگر متصل می کنند؛ اتصال مهمی که امکان تبیین دقیق تر وضعیت زندگی آنها را فراهم می سازد. در مباحث مهاجرت، شبکه های اجتماعی عمدتاً بر ارتباطات فردی با محوریت خانواده، خویشاوند، دوست و... اشاره دارد. محققین زیادی خانواده و دوستان را به عنوان محور اصلی شبکه ها برشمرده اند. شبکه اجتماعی مجموعه خاصی از پیوندها در میان اشخاص است (میچل^۴، ۱۹۶۹: ۲۰۱) علاوه بر این، ساختار شبکه منعکس کننده الگوی روابط بین افراد است (واسرمن و فاوست^۵، ۱۹۹۴). ظرفیت بالقوه اطلاعات جزء ذاتی و جدایی ناپذیر از روابط اجتماعی است. اطلاعات برای فراهم ساختن شالوده ای برای کنش مهم است، اما به دست آوردن آن پرهزینه است. یکی از وسایلی که ممکن است اطلاعات از طریق آن کسب شود استفاده از روابط اجتماعی است (کلمن^۶، ۱۳۷۷: ۴۷). این رویکرد گویای آن است که داشتن ارتباط های غیررسمی در مناطق دیگر می تواند در شکل گیری تمایل افراد برای مهاجرت و احتمالاً در تصمیم گیری برای رسیدن به آن مؤثر واقع شود (ارشاد و حزباوی، ۱۳۸۴: ۱۱۴). بنابراین، شبکه های مهاجرتی به طور

-
1. Tilly & Brown
 2. Lee & Roseman
 3. Massey
 4. Mitchell
 5. Wasserman & Faust
 6. Coleman

قابل ملاحظه‌ای در شکل‌دهی جریان مهاجرت مؤثر هستند (چل‌دین^۱، ۱۹۷۳).

نقش شبکه‌ها در تصمیم به مهاجرت، جهت‌یابی و تداوم آن، ارتباطات فراملی و الگوهای استقرار و الحاق در ادبیات پژوهشی گوناگونی مستند شده است. با این حال، این مطالعات عمدتاً در بستر بین‌المللی بوده و در مطالعات مهاجرت داخلی ایران و نیز در مهاجرت‌های داخلی سایر کشورها، مهاجرت شبکه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است و بیشتر مطالعات با رویکرد نظری جاذبه و دافعه که در آن کنشگران فردی در نتیجه ارزیابی عقلانی به مهاجرت اقدام می‌کنند، به موضوع پرداخته‌اند. مطالعه جریان مهاجرت از طریق رویکرد شبکه‌های مهاجرت این دیدگاه را تقویت می‌کند که مهاجرت را نباید صرفاً نتیجه تصمیمات فردی کنشگران و یا نتیجه منحصربه‌فرد عامل اقتصادی تلقی کرد، بلکه باید به عنوان یک محصول اجتماعی که از تعامل و پیوند همه این عوامل ناشی می‌شود، در نظر گرفته شود. از این رو، به منظور پر کردن این خلأ تحقیقاتی سؤال اساسی این مطالعه این است که شبکه‌ها چه نقشی در شکل‌گیری و تداوم جریان مهاجرت دارد؟ بر این اساس، تمرکز این مطالعه بر جریان‌های مهاجرت از شهرکرد به شهر اصفهان است.

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، خالص مهاجرتی استان چهارمحال و بختیاری ۲۱۱۹۰- است که بیانگر مهاجر فرست بودن این استان بوده و از طرف دیگر، خالص مهاجرتی استان هم‌جوار، یعنی اصفهان، ۳۳۹۹۶+ است که مهاجرپذیر بودن این استان را نشان می‌دهد. از مجموع ۱۳۷۱۳۶ نفر مهاجر وارد شده به استان اصفهان، در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰، بیشترین تعداد، با ۲۹۸۰۷ نفر (۲۱/۷ درصد)، از استان خوزستان و پس از آن با ۲۰۲۲۶ نفر (۱۴/۷ درصد) متعلق به استان چهارمحال و بختیاری می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

استمرار حجم انبوه و دنباله‌دار مهاجران جابجاشده از استان چهارمحال و بختیاری به مقصد استان‌های دیگر از جمله استان اصفهان، نشان‌دهنده ساختارهای علی و ویژه مهاجرت در بین این دو منطقه جغرافیایی است. مطالعه این جابه‌جایی جمعیت با محوریت شبکه‌های اجتماعی مهاجران می‌تواند اطلاعات مفیدی در زمینه چرایی مهاجرت مرتبط با مبدأ، مقصد و خود مهاجران ارائه نماید.

در کشور ما تحقیقات زیادی در زمینه مهاجرت انجام شده که عمدتاً بر اساس اطلاعات

سرشماری است. محققان توانسته‌اند با این داده‌ها تأثیر مهاجرت بر تغییرات جمعیتی استان‌ها را ارزیابی کنند. برخی از مطالعات نیز به تأثیراتی توجه کرده‌اند که مهاجرت بر مبدأ و مقصد مهاجرت می‌گذارد (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۱). به‌رغم اهمیت غیرقابل‌انکاری که تحقیقات پیمایشی در این زمینه در کشور دارند، به‌نظر می‌رسد مطالعات اندکی (رجایی و صحنه، ۱۳۹۴؛ قاسمی اردهایی و محمودیان، ۱۳۹۳؛ قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲؛ محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۱)، از زاویه‌ای نزدیک به این گروه از مهاجران و تجارب‌شان و به دلایل و تأثیر و نحوه مهاجرت از دیدگاه آنان پرداخته‌اند. درواقع، بیشتر مطالعات بر روی پیامدها و تأثیر کلان مهاجرت بوده و کمتر مهاجرت را از بُعد خُرد مورد نظر قرار داده‌اند (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸). این مطالعه نیز با هدف توسعه ادبیات پژوهشی در این حوزه، با محور قرار دادن واکاوی دیدگاه کنشگران در مورد نقش شبکه‌های مهاجرتی در شکل‌گیری جریان مهاجرت، در راستای مطالعات نامبرده قرار می‌گیرد.

رویکرد مفهومی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی انجام شده است. اگرچه بخش اعظم تحقیقات کیفی بدون چارچوب نظری انجام می‌شود، امروزه در این گونه مطالعات رویکرد استقرایی صرف مورد نقد واقع شده است و اتخاذ رویکرد استقرایی- قیاسی به‌شکل هم‌زمان پیشنهاد می‌شود که چنین رویکردی مستلزم رفت و برگشت میان مفاهیم نظری و داده‌های اکتشافی میدانی است (تیمرمز و تاوری^۱، ۲۰۱۲). در این راستا، مرور تحقیقات پیشین و چشم‌اندازهای نظری در تحلیل داده‌های کیفی بسیار مفید است. نظریات و رویکردهای متعددی ازجمله نظریه قوانین مهاجرت راونشتاین^۲، جاذبه دافعه اورت، اس- لی^۳، نظریه سرمایه انسانی (نظریه هزینه فایده)، محرومیت نسبی، دیدگاه وابستگی مهاجرت و سازگاری فرهنگی و نظریه شبکه‌ای^۴ مهاجرت و... به تبیین مهاجرت پرداخته‌اند (برومندزاده و نوبخت ۱۳۹۳؛ محمودیان و همکاران ۱۳۸۸، لهسایی‌زاده، ۱۳۸۶). در این مطالعه مباحث نظری مهاجرت شبکه‌ای جهت روشن شدن موضوع توضیح داده می‌شود.

-
1. Timmermans & Tavory
 2. Ravenstein.
 3. Overett, S, Lee
 4. Network theory

در ادبیات علوم اجتماعی، شبکه‌ها هم برای توصیف شکل‌بندی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هم به‌عنوان توصیف شکلی از سازمان استفاده شده است (مک فارلن^۱، ۲۰۰۶، ۱۰). پایه‌های اصلی شبکه‌های اجتماعی در روابط و شناخت اشخاص نهفته است. وقتی عده‌ای از افراد به هر دلیلی مانند همسایگی، هم قومی، خویشاوندی، همکار در یک محل، هم دانشگاهی‌ها و... دور هم جمع شده و روابط تصادفی و عارضی خود را تبدیل به روابطی پایدار می‌کنند، در این صورت، تشکیل شبکه می‌دهند. این شبکه‌ها که بر مبنای شناخت متقابل شکل گرفته‌اند در بیشتر موارد افراد عضو خود را نیز از درون همان زمینه‌ای که باعث تشکیل شبکه شده است انتخاب می‌کنند و وارد شدن در این شبکه‌ها اغلب با معرفی یکی از اعضا می‌باشد (رستمعلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۷). یکی از شبکه‌های اجتماعی موجود، شبکه‌های مهاجران ساکن در شهرهای بزرگ است. امروزه سازمان‌ها و شبکه‌های مهاجران به‌عنوان عامل‌های توسعه پدیدار شده‌اند. آنها با نهادهای دولتی در جریان‌های وجوه ارسالی مالی، دانش و افکار سیاسی تعامل دارند (فایست^۲، ۲۰۰۸). شبکه‌های توسعه فراملی، جریان‌هایی از ایده‌ها، منابع و فعالیت‌هایی هستند که نقشی در پروژه‌ها و فعالیت‌های توسعه‌ای بازی می‌کنند. اینها شبکه‌هایی هستند که در آنها «مردم، ایده‌ها و منابع جریان دارند و در آن مداخلات مادی در جایگاه‌های خاص مفهوم‌سازی و اجرا می‌شوند». آنها به‌واسطه روابط میان نهادها، شیوه‌ها / اعمال و دانش ساخته می‌شوند؛ مسیرها و اشکال متفاوت اینها انواع متفاوتی از شبکه‌ها و مداخلات توسعه‌ای را ایجاد می‌کنند (مک فارلن، ۲۰۰۶: ۹).

پیوتروسکی^۳ (۲۰۰۶) در این زمینه، شبکه‌های اجتماعی را به‌عنوان مجموعه‌ای از بازیگران یا عوامل (کارگزاران) و همچنین شکل یا ترکیب گره‌ها یا پیوندهای ارتباطی میان آنها تعریف کرده است. شبکه‌ها بخش مهمی از زندگی تمام افراد هستند و آنها در زمینه‌های بسیار متنوعی از اهمیت برخوردارند که شامل تصمیم‌گیری خلاقانه، استفاده ممانعت‌کننده و مهاجرت می‌باشد. برای درک بهتر مسائل موجود در ادبیات مرتبط، تمایز میان سه سطح از شبکه‌های اجتماعی مهاجران که با هم همپوشانی داشته اما از لحاظ مفهومی تفاوت دارند حائز اهمیت است:

(۱) شبکه‌های اجتماعی مهاجران در اجتماع مقصد؛

1. McFarlane
2. Faist
3. Piotrowski

۲) شبکه‌های اجتماعی گسترده مابین اجتماع مبدأ و مقصد، که با رفت‌وآمد مهاجران در اجتماع مقصد ایجاد می‌شود؛

۳) شبکه‌های اجتماعی خانوادگی در اجتماع مبدأ.

نظریه شبکه‌های اجتماعی در تحقیقات مهاجرت کاملاً اثبات شده است. مدتهاست مشاهده شده است که به محض وقوع مهاجرت پیشگام، مهاجران بالقوه در مناطق مبدأ به مقصد مهاجرت متصل می‌شوند، جایی که در آن فرصت‌های شغلی و افزایش شانس برای ارتقاء اقتصادی-اجتماعی پیش‌بینی شده است. باتوجه به دسترسی حاصل از طریق شبکه‌های اجتماعی با مهاجران قبلی، جریان همچنان فراتر از "پیشگامان" است. زیرا مهاجران قبلی واسطه مهاجرت تازه‌واردان هستند (دی هاس^۱، ۲۰۱۰). محققان امور مهاجرت به‌طور گسترده‌ای به اهمیت شبکه‌های مهاجران برای کاهش انواع هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و عاطفی برای مهاجران جدید (سامرویل^۲ ۲۰۱۱) و نقش مهم آنها در کاهش انتخاب و تداوم مهاجرت اعتراف کرده‌اند (مسی^۳ و همکاران، ۱۹۹۳؛ مسی و همکاران، ۲۰۰۵؛ گوراک و کاسس^۴، ۱۹۹۲؛ فاوست^۵، ۱۹۸۹؛ تسودا^۶، ۱۹۹۹؛ پلگرینو^۷، ۲۰۰۴؛ ون میترون و پررا^۸، ۲۰۱۸). شبکه‌های مهاجران اطلاعات مفیدی در مورد جامعه جدید ارائه می‌دهند به‌عنوان مثال: مسکن، اشتغال یا اخذ اسنادی که به مهاجران در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی حرکت خود کمک می‌کند. به‌عبارت دیگر، شبکه‌های مهاجران اشکال ارزشمندی از سرمایه اجتماعی را به مهاجران جدید ارائه می‌دهند (رایان^۹، ۲۰۱۱). شبکه‌های مهاجران به‌عنوان "مجموعه‌ای از روابط بین فردی که مهاجران، مهاجران سابق و غیرمهاجران را در مبدأ و مناطق مقصد از طریق روابط خویشاوندی، دوستی و منشا جامعه مشترک متصل می‌کنند" مفهوم یافته‌اند (مسی و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۲). آنچه در این مفهوم‌سازی جلب توجه می‌کند تأکید آن بر "روابط خویشاوندی، دوستی و منشا مشترک جامعه" است. هرچند که به‌دلیل تمرکز رویکرد شبکه مهاجران بر "تعهدات متقابل مبتنی بر درک مشترک از خویشاوندی و

-
1. De Haas
 2. Somerville
 3. Massey
 4. Gurak & Caces
 5. Fawcett
 6. Tsuda
 7. Pellegrino
 8. Van Meeteren & Pereira
 9. Ryan

دوستی (مسی و گارسیا اسپانا^۱، ۱۹۸۷، ۷۳۷)، بسیاری از بازیگران مرتبط دیگر در روند مهاجرت نادیده گرفته می‌شوند (باچی^۲، ۲۰۰۱).

شبکه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از افراد یا سازمان‌ها یا مجموعه‌های دیگر اجتماعی دانست که از طریق روابط اجتماعی مانند دوستی، همکار بودن یا تبادل اطلاعات با یکدیگر مرتبط می‌شوند. بدین ترتیب، شبکه اجتماعی، الگویی ارتباطی است که مردم را به هم متصل می‌کند و یا پیوندهایی است که افراد را با گروه‌هایی از مردم مرتبط می‌سازد (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۱۷۱). این ایده که روابط اجتماعی بر اساس خویشاوندی و عضویت اجتماعی تسهیل‌کننده فرایندهای مهاجرت است، بیشتر توسط تیلی و براون (۱۹۶۷) و چلدين (۱۹۷۳) بیان گردیده و آثارشان در این زمینه در منابع مهاجرت محفوظ است.

دیدگاه شبکه‌ای در سرمایه اجتماعی بر اهمیت روابط افقی و عمودی بین مردم در قالب انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی تأکید دارد. سازوکار تأثیر نظام شبکه‌ای بدین صورت است که افراد تازه‌وارد به فرهنگ جدید برای کسب اعتبار و حمایت اجتماعی به خانواده، دوستان و آشنایان خود متوسل می‌شوند و سپس برای دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی وسیع‌تر به منابع گروهی متوسل می‌شوند و از این طریق شبکه‌ای درون گروه و بیرون گروه ایجاد می‌کنند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه شبکه‌ای، سرمایه اجتماعی را در قالب سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی معرفی می‌کند (اونق، ۱۳۸۴: ۲۸).

یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شبکه است. بسیاری از نظریه‌پردازان در تعریف سرمایه اجتماعی به نقش شبکه‌ها توجه زیادی از خود نشان داده‌اند (بورديو^۳، ۱۹۸۵؛ پاتنام^۴، ۱۹۹۳؛ لین^۵، ۱۹۹۹). سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی جاسازی شده است و مردم می‌توانند فرصت‌هایی به واسطه ترکیب کردن منابع ارتباطات خود ایجاد نمایند. می‌توان عنوان کرد ایده محوری نظریه سرمایه اجتماعی در روابط است. اعضای جامعه با برقراری ارتباط با یکدیگر و پایدار ساختن آنها با یکدیگر همکاری کرده و از طریق آن چیزهایی را کسب می‌کنند که به‌تنهایی قادر به کسب آن نبوده و یا در کسب آن با دشواری‌هایی مواجه می‌شوند. انسان‌ها از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌ها به

-
1. Massey & García España
 2. Bagchi
 3. Bourdieu
 4. Putnam
 5. Lin

هم وصل می‌شوند. با گسترش شبکه‌ها آنها نوعی دارایی را تشکیل می‌دهند که می‌توان آن را به‌عنوان نوعی سرمایه مورد ملاحظه قرار داد (فیلد، ۱۳۸۶). این روابط، پایه شبکه‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند.

شبکه‌های اجتماعی موجب متصل شدن انسان‌ها به همدیگر شده و تمایل این افراد برای داشتن ارزش‌های مشترک با سایر افراد شبکه افزایش می‌یابد. با گسترش شبکه‌ها آنها نوعی دارایی را تشکیل می‌دهند که می‌توان از آن به‌عنوان نوعی سرمایه یاد کرد (پرتز^۱، ۱۹۹۵: ۷). نظریه شبکه اجتماعی، وابستگی‌های اجتماعی برحسب گره‌ها و همبستگی‌ها است. گره‌ها، کنشگران فردی درون شبکه‌ها بوده و همبستگی‌ها روابط بین کنشگران است. در ساده‌ترین شکل آن، یک شبکه اجتماعی طرحی از تمام همبستگی‌های مربوط بین گره‌های مورد مطالعه است. انواع بسیاری از همبستگی‌ها می‌تواند بین گره‌ها باشد. لین (۲۰۰۱) بر این عقیده است که شبکه‌های اجتماعی نمایان‌گر یک ساختار اجتماعی کمتر رسمی هستند. چراکه هیچ یا کمتر رسمیتی در توصیف موقعیت‌ها و قوانین و در اختصاص دادن اقتدار به شرکت‌کنندگان وجود ندارد. وجود پیوند در یک شبکه مستقیم و غیرمستقیم فراهم‌کننده پتانسیل دسترسی به دیگر عامل‌ها در شبکه اجتماعی است.

نظریه شبکه‌ای مهاجرتی بر پیوستگی‌های بین افراد متکی است که مهاجران پیشین را با افرادی که قصد مهاجرت دارند، به کمک پیوندهای خویشاوندی، دوستی و یا خاستگاه اجتماعی مشترک با هم مرتبط می‌کند. این امر با کاهش مخاطرات ناشی از مهاجرت سبب افزایش مهاجرت می‌شود (مسی، ۱۹۹۳: ۴۴۹-۴۴۸). بااین‌حال، شبکه‌های مهاجرین در کار ما بیشتر به‌عنوان شبکه‌ای که مهاجرین یک اجتماع محلی در مقصد مهاجرت خویش ایجاد کرده‌اند مطرح است تا از این طریق بتوانند بر مشکلات پیش روی خود فائق آیند.

پیشینه تحقیق

بررسی ادبیات پژوهش بیانگر آن است که باتوجه به ماهیت بین رشته‌ای مهاجرت، مطالعات بسیاری توسط محققان در زمینه علل و پیامدهای انواع مهاجرت‌ها در داخل و خارج از ایران به شیوه‌های مختلف کمی و کیفی صورت گرفته، که به یافته‌های مفیدی هم در این حوزه‌ها اشاره شده است. باتوجه به تمرکز این مقاله بر مهاجرت شبکه‌ای، در ادامه صرفاً به مرور مطالعاتی که

در این حوزه انجام شده، پرداخته می‌شود.

رجایی و صحنه (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرتی در تهران (مطالعه موردی: رامشه‌ای‌های مقیم تهران) پرداختند. مجموعه‌ای عوامل سبب شده است تا این دسته از مهاجران از حدود یک قرن از ورود خود به تهران همچنان روابط خود با زادگاه و سایر مهاجران را حفظ کنند. نتایج این مطالعه نشان داده است که تمرکز مهاجران بر تهران به دلیل حفظ روابط قوی و مستحکم بین مهاجران بوده که از جمله می‌توان به ارتباط گسترده این مهاجران با مبدأ، کمک به سایر مهاجران در یافتن شغل و کمک به اسکان آنها در مقصد و همچنین ازدواج‌های درون‌شبکه‌ای که سبب استحکام هرچه بیشتر روابط آنها گردیده است، اشاره کرد.

رستمعلی‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی به روش کیفی ضمن ارائه سنخ‌شناسی از انجمن‌های زادگاهی شهر تهران به بررسی ویژگی‌ها، کارکردها و مکانیزم‌های ارتباطات درونی آنها پرداخته است. وی داده‌های مورد نیاز را با استفاده از فنون مصاحبه، مصاحبه گروهی و مشاهده مشارکتی گردآوری کرده و به صورت مضمونی ارائه نموده است. یافته‌های این مطالعه نشان داده که سه سنخ بر اساس بعد تعلق، تبلور و محور شکل‌گیری، از انجمن‌های زادگاهی در شهر تهران وجود دارد. کارکردهای ویژه این انجمن‌ها، حفظ ارتباطات میان اعضا، حفظ هویت فرهنگی در میان خود و نسل‌های جدید و کمک به همشهری‌ها در تهران و در مبدأ است. سازوکارهای درونی ارتباطات این انجمن‌ها نیز مبتنی بر برنامه‌های منظم و دوره‌ای و همچنین منوط به برگزاری مراسم، مناسک و برنامه‌های خاص است. نتایج این تحقیق نشان داده که این انجمن‌ها توانایی بالایی برای پیشبرد توسعه در مناطق شهری و همچنین اجتماعات مبدأ خود دارند.

قاسمی اردهایی و محمودیان (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی انواع و اندازه شبکه‌های مهاجرتی مهاجران از استان آذربایجان شرقی ساکن در استان تهران پرداختند. جامعه آماری این پیمایش را مهاجران مرد بالای ۲۰ سال در زمان مهاجرت که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۱ استان آذربایجان شرقی را به مقصد شهرستان‌های اسلام‌شهر، رباط‌کریم و شهریار ترک کرده‌اند (حدود ۵۶ هزار نفر) شامل می‌شود. از یافته‌های این تحقیق می‌توان به این موارد اشاره کرد: اندازه شبکه‌های اجتماعی مهاجران نسبتاً کوچک است و اکثر آنان از طریق یک نسبت خویشاوندی و آشنایی (گره) به شبکه اجتماعی در مقصد ملحق شده‌اند؛ احتمال وجود شبکه مهاجرتی برای

مهاجران بالقوه از شهرستان‌های سراب، میانه و هشتروند بسیار بیشتر از مهاجران سایر شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است؛ همچنین، مهاجران دارای وضعیت اجتماعی-اقتصادی ضعیف جهت جابه‌جایی خود از شبکه‌های مهاجرتی بزرگ استفاده می‌نمایند.

قاسمی اردهایی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «مهاجرت شبکه‌ای و تعیین‌کننده‌ای آن» به مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران پرداخته و جریان‌های مهاجرتی را با رویکرد شبکه‌ای مورد مطالعه قرار داده است. در چارچوب مفهومی شبکه‌های اجتماعی مهاجر، سه جریان مهاجرتی شبکه‌ای، توده‌ای و دافعه‌ای از هم تفکیک شده‌اند که حدود سه‌چهارم آن از نوع شبکه‌ای است. در این تحقیق بیان شده که هرچقدر مهاجران از لحاظ ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی ضعیف‌تر از هم‌تاهای خود باشند، بیشتر به مهاجرت شبکه‌ای روی می‌آورند که این امر اهمیت ضعف مالی و کمبود اطلاعاتی مهاجران را در جهت دادن به مهاجرت‌های شبکه‌ای به‌خوبی نشان می‌دهد.

محمودیان و قاسمی اردهایی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای کیفی به واکاوی چگونگی شکل‌گیری جریان‌های مهاجرتی از استان آذربایجان شرقی به استان تهران پرداخته‌اند. در این تحقیق بیان شده که مهاجران پیشگام از موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری نسبت به بومیان مبدأ و مقصد برخوردار بودند، آنها با بهبود نسبی وضعیت‌های اقتصادی خود، جهت کمک به وضع مالی خانواده و خویشاوندان نزدیک‌شان، وجوه ارسالی را به خاستگاه‌های روستایی خود می‌فرستادند. این امر و نیز اشتیاق روستائیان جهت بازدید از وضعیت زندگی مهاجران در نواحی پایتخت، موجب گردید تا رفت و آمد و ارتباط اولیه بین مبدأ و مقصد به‌وجود بیاید. تشدید دامنه این ارتباطات و نیز تشویق و کمک مهاجران پیشگام باعث شد که مهاجرت شبکه‌ای از استان آذربایجان شرقی به استان تهران آغاز شود.

رستمعلی‌زاده و فیروزآبادی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی دریانی‌های تهران در شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و نهادهای پایدار مهاجرین (انجمن‌های زادگاهی) پرداختند. پژوهش آنها که به روش ترکیبی است به جمع‌آوری اطلاعات در بین دریانی‌های تهران پرداخته است. نتایج رگرسیون خطی در بخش یافته‌های کمی نشان داده که متغیرهای اعتماد، گرایش، تعامل و هنجارهای همپاری توانسته‌اند در فرایند شکل‌گیری انجمن‌های زادگاهی تأثیر مثبت و معناداری داشته باشند. همچنین یافته‌های کیفی بیانگر آن است

که این انجمن‌ها نقش مهمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی روستای دریان و توسعه محلی منطقه ایفا کرده‌اند.

گلدوین و کوهن^۱ (۲۰۱۴) در تحقیقی به نقش خانواده و شبکه‌های ارتباط گسترده برای مهاجران که به آمریکا مهاجرت می‌کنند پرداخته‌اند. روش این تحقیق کیفی بوده و هدف محقق پیدا کردن پاسخی برای این سؤالات بوده که آیا کسی مهاجر را حمایت کرده است؟ چند نفر مهاجر را حمایت کرده‌اند؟ آیا مهاجر خودش حامی مهاجر دیگر بوده است یا خیر؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شبکه‌های ارتباطی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای با روند مهاجرت درگیر هستند و شبکه‌ها از نظر اطلاعاتی، مالی، عاطفی و یافتن شغل و جای اقامت مناسب روند مهاجرت را افزایش می‌دهند.

گریپ^۲ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «چگونگی شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرتی از مکزیک به ایالات متحده» علت بالا بودن مهاجرت مکزیک به ایالات متحده را به علت نقش شبکه‌های مهاجرتی قوی می‌داند. در این تحقیق با ۱۲۴ خانوار از مهاجران مکزیکی که فقط سرپرست خانوار نبوده‌اند و همه اعضای خانواده را در بر گرفته مصاحبه شده است و خصوصياتی مانند سن و جنس، تحصیلات، وضعیت اقتصاد خانواده، میزان دارایی خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. محقق معتقد است، که در حال حاضر شبکه‌های مبتنی بر روابط دوستانه، روابط اجتماعی و ارتباطات، تحرکات جوامع را به هم پیوند می‌دهد و یک ساختار منسجم برای جمعیت مهاجران به حساب می‌آید.

تتریاتنیکوا^۳ (۲۰۰۸) در پژوهشی با «عنوان خصوصیات شبکه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری مهاجرت» به بررسی یکی از مبهم‌ترین موارد در تاریخ مهاجرت بین‌المللی، انتخاب مقصد مهاجرتی در بین مهاجران ایتالیایی، پرداخته است. مهاجران شمال ایتالیا، کشورهای جنوبی آمریکا نظیر آرژانتین و برزیل را به‌عنوان مقصد مهاجرتی انتخاب می‌کنند. علی‌رغم بالا بودن سطح شهرنشینی در شمال آمریکا مهاجران شمال ایتالیا روستاهای جنوبی آمریکا و مهاجران جنوب ایتالیا شمال آمریکا را به‌عنوان مقصد مهاجرت انتخاب کرده‌اند. در این تحقیق بر اهمیت نقش اطلاعات در پیوندهای اجتماعی مهاجران تأکید شده و علت بیشتر بودن مهاجران جنوب ایتالیا

1. Goldin & Cohen

2. Grip

3. Teteryatnikova

نسبت به شمال ایتالیا در شمال آمریکا را در برتری نسبی تعداد پیوندهای اجتماعی آنان با منطقه شمال آمریکا دانسته است.

واکر^۱ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «شبکه‌های ارتباطی و انتقال جوانان در روسیه» به بررسی نقش شبکه‌های ارتباطی در جابه‌جایی و مهاجرت‌ها در روسیه پرداخته است. روش این تحقیق کیفی بوده و برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه استفاده شده است. در این پژوهش ۹۷ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با دانشجویان سال آخر یا فارغ‌التحصیلان اخیر دانشگاهی در استان اولیانوسف روسیه صورت گرفته است. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که باتوجه به عدم دسترسی دانشجویان به مسکن، محل اقامت دانشجویی و شغل و نیز حمایت نشدن از طرف ساختارهای رسمی، شبکه‌های خویشاوندی به ابزار اصلی انواع مهاجرت در روسیه تبدیل شده‌اند. مهاجرت برای شغل، نه از طریق ساختارهای رسمی، بلکه از طریق شبکه‌های اجتماعی تشویق می‌شود و شبکه‌های ارتباطی در مقابل با نهادهای رسمی، نقش پررنگ‌تری در روند مهاجرت ایفا می‌کنند.

هوگو^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «شبکه‌های مهاجرتی و تصمیم به مهاجرت» به بررسی تأثیر شبکه‌ها بر روی انتخاب مکان (مقصد) مهاجرت پرداخته است، باتوجه به یافته‌های تحقیق، جاذبه مقصد و دافعه مبدأ به عنوان علل ضروری مهاجرت مشخص شده است. همچنین بیان شده که چون پیشگامان با خطرات مهاجرت روبرو شده‌اند، برای مهاجران بعد از خود به عنوان یک سرمایه اجتماعی به حساب می‌آیند. همچنین مهاجران پیشگام، به عنوان تسهیل‌کننده، در زمینه‌هایی مانند حمایت اطلاعاتی، حمل و نقل، انتخاب محل اقامت و شغل، مهاجر را پشتیبانی و مهاجرت را تشویق می‌کنند.

مک‌کنزی و راپوپورت^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با عنوان «شبکه‌ها چه می‌کنند؟» به نقش شبکه‌ها در مهاجرت به ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. در این مطالعه محقق صرفاً به شبکه‌های خانوادگی مکزیکی تبار در ایالات متحده و سپس به نقش باندهای غیرقانونی مهاجرت برای مهاجرت غیرقانونی بقیه اعضای خانواده به کشور آمریکا و در نتیجه گسترش شبکه مهاجرت اشاره کرده است. استفاده از باندهای غیرقانونی مهاجرت به مهاجران مکزیکی در آمریکا در سه

1. Walker

2. Hugue

3. McKenzie & Rapoport

حوزه اطلاعات برای عبور از مرز، اطلاعات پیرامون شغل‌های جامعه مقصد، یا سرمایه سفر مهاجرتی کمک شایان توجهی ارائه می‌دهد.

هیرینگ^۱ و همکارانش (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «نقش شبکه‌های خانوادگی بر مهاجرت» به مطالعه مهاجران مراکشی پرداخته است. به گفته محقق مهاجرت مراکش به کشورهای اروپایی، به‌ویژه اروپای غربی، بیش از چهل سال پیش آغاز شده است. تفاوت‌های جنسیتی باعث انتخاب متفاوت مقصد بین زنان و مردان شده و زنان بیشتر از مردان به حمایت شبکه‌های خانوادگی برای مهاجرت از مراکش نیاز دارند. زنان فعال اقتصادی تمایل بیشتری به مهاجرت کردن به کشورهای اروپایی دارند و روستائیان و ساکنان مناطق محروم بیشتر از سایر مناطق مراکش مهاجرت کرده‌اند. در این پژوهش بیان شده که اگر مهاجران بالقوه روابط اجتماعی‌شان را با خویشاوندان در مقصد ادامه دهند، در این صورت هزینه‌ها و خطرهای مهاجران جدید کاهش می‌یابد؛ در نتیجه، جریان مهاجرت تداوم خواهد یافت. تماس بین مهاجران بالقوه در مناطق مهاجرفرست و اعضای خانواری که در خارج زندگی می‌کنند، منجر به افزایش تمایلات قبلی برای مهاجرت به آن مناطق می‌شود. گومز^۲ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «استفاده از شبکه و الگوهای مهاجرت (مهاجرت مکزیکی)» نشان داده که شبکه‌ها زمان صرف‌شده برای اقامت و تطبیق مهاجر در مقصد را کاهش می‌دهد و باعث سرعت بخشیدن به روند مهاجرت می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در تسهیل روند مهاجرت چه در داخل مرزها و چه در سطح بین‌المللی ایفا می‌کنند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که اهمیت شبکه‌ها در فرایند مهاجرت ممکن است در طول زمان تغییر کند. حمایت‌های شبکه‌ها در دوره‌های زمانی یکسان نبوده و در هر دوره شبکه‌های مهاجرتی سبک خاصی از حمایت‌ها را دارند.

کوران و ریورو^۳ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «شبکه‌های مهاجرت و انگیزه به مهاجرت» به مقایسه شبکه‌های مهاجرتی مردانه و زنانه و تأثیر شبکه‌ها در مقصد بر مهاجرت بین‌المللی و داخلی پرداخته‌اند. از یافته‌های این تحقیق این است که شبکه‌های مهاجر برای مهاجرت‌های بین‌المللی مهم‌تر از جابه‌جایی‌های داخلی است و شبکه‌های زنانه در مهاجرت مکزیکی به آمریکا مهم‌تر از شبکه‌های مردانه است. شبکه‌های مردانه برای مرد آینده‌نگرتر از شبکه زنانه است و

1. Heering

2. Gomez

3. Curran & Rivero

شبکه مهاجر زنانه شانس مهاجرت مردان را کاهش می‌دهد. شبکه‌های مهاجر، هزینه‌های جابجایی و همچنین هزینه‌های عاطفی را کاهش می‌دهد. به‌طوری‌که اگر مهاجران به محیطی وارد شوند که مردم آنجا به زبان آنها صحبت می‌کنند، در آن‌صورت از شوک همانندی آنها کاسته شده و از طرد آنها جلوگیری می‌شود. پژوهش لی و روزمن (۱۹۹۷) نشان داد که دو نوع متفاوت از مهاجران وجود دارد. یکم، مهاجران مستقل که برای این مهاجران وضعیت شغلی و میزان بیکاری مقصد شاخص‌های معناداری برای مهاجرت هستند. دوم، مهاجران پیوندیافته که برای آنها بیکاری و سطح رفاه زندگی در مقصد مدنظر نیست. لی و روزمن دریافتند که بیشتر مهاجران شهری-روستایی در آمریکا، مهاجران پیوند یافته‌ای هستند که تا اندازه‌ای مقصد را به سبب اسکان هم‌نوعان خود انتخاب می‌کنند.

هافرس و آیسلند^۱ (۱۹۹۸) در مطالعه سرمایه اجتماعی در آمریکا دریافتند که مهاجرت دسترسی به سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. دور شدن از جایی که شخص در آن رشد یافته، سرمایه اجتماعی را از هم می‌پاشد. به این دلیل که دسترسی به حمایت خانواده کاهش می‌یابد. بنابراین، شخص نیاز به سرمایه و ساخت جدیدی از ذخیره سرمایه اجتماعی در جامعه جدید دارد. سرمایه اجتماعی مهاجران شامل منابع اطلاعاتی یا کمک‌های فردی می‌باشد که از طریق مهاجران اولیه به وسیله پیوندهای اجتماعی (مانند پیوندهای خانوادگی) در اختیار مهاجران بالقوه قرار می‌گیرد و موجب می‌شود تا هزینه و خطر مهاجرت کاهش یابد (گاریپ^۲، ۲۰۰۷: ۱۱). شبکه‌های اجتماعی، که گاست و استام^۳ (۱۹۹۳) آن را حمایت از مهاجرت نامیده‌اند، شامل شبکه‌هایی از تعهدات متقابل است که مهاجران را به طرف خود می‌کشد. اضافه شدن تعدادی مهاجر جدید، سبب گسترش شبکه‌های اجتماعی و به نوبه خود توسعه سرمایه اجتماعی می‌گردد و این امر به مهاجرت بیشتر کمک می‌کند.

مرور مطالعات فوق نشان داد در رابطه با موضوع شبکه‌های مهاجرت و نقش آن بر جریان مهاجرت، تحقیقات متعددی در خارج از ایران صورت گرفته است؛ در حالی که در ایران در حوزه شبکه‌های مهاجرتی مطالعات محدودی وجود دارد. در این مطالعات بر اهمیت نقش شبکه‌های مهاجرتی در شکل‌گیری مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی تأکید زیادی شده است و همچنین تغییر نوع حمایت شبکه‌ها طی دوره زمانی مختلف جزء یافته‌های مشترک بیشتر مطالعات بوده

1. Hofferth & Island

2. Garip

3. Gust & Stamm

است. علاوه بر آن، مطالعات داخلی، عمدتاً، به شیوه کمی صورت گرفته‌اند، در حالی که بسیاری از مطالعات انجام شده در سایر کشورها با شیوه کیفی به مطالعه نقش شبکه‌های اجتماعی بر تصمیمات مهاجرتی پرداخته‌اند. معدودی از مطالعاتی که در کشور با تمرکز بر شناسایی شبکه‌ها انجام شده، متمرکز بر مهاجرت‌ها به استان تهران بوده است؛ این در حالی است که سایر استان‌ها همچون استان اصفهان با پدیده مهاجریپذیری مواجه هستند. با توجه به اینکه مهاجرت‌های داخلی ایران امروزه نقش مهمی در بازتوزیع جمعیت در داخل مناطق و استان‌های کشور دارند، شناسایی نقش شبکه‌های مهاجرتی در شکل‌گیری جریان مهاجرت در سایر استان‌ها نیز حائز اهمیت است. لذا مقاله حاضر، با به‌کارگیری رویکرد کیفی در شناسایی نقش شبکه‌های مهاجرتی در شکل‌گیری جریان مهاجرت از شهرکرد به شهر اصفهان بخشی از خلأ پژوهشی موجود را پوشش می‌دهد.

روش تحقیق

با توجه به هدف مطالعه، از رویکرد کیفی استفاده شده است. در این پژوهش، نمونه‌گیری به صورت هدفمند آغاز شد و تا سطح اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری یعنی زمانی که افراد نمونه، دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند و یا آنچه مطرح می‌کنند در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده نباشد (حریری، ۱۳۸۵: ۱۳۹). با مبنا قرار دادن اشباع به عنوان معیار تعداد نمونه در تحقیقات کیفی، داده‌های این مطالعه حاصل ۲۵ مصاحبه عمیق با مهاجرانی است که طی سالیان گذشته از شهرکرد به اصفهان مهاجرت نموده و تجربه حداقل دو سال اقامت در شهر اصفهان را داشته‌اند. تلاش شد در انتخاب نمونه حداکثر تنوع در نظر گرفته شود و مشارکت‌کنندگان از نظر سن، جنس، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و طول دوره مهاجرت متفاوت باشند. فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان و مستمر با جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفت. برای یافتن افراد نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس و زنجیره‌ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا از طریق معرفی دوستان به چند نفر از افراد نمونه دسترسی پیدا کردیم و بقیه افراد نمونه به تدریج و به صورت زنجیره‌وار از طریق خود مهاجران معرفی شدند. برخی از مصاحبه‌ها در محل زندگی آنها و برخی دیگر در مکان‌های عمومی صورت گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه بود. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی آغاز شد و با احتیاط به سمت سؤالات خاص و مرتبط با موضوع تحقیق پیش رفت. ضبط مصاحبه‌ها با رضایت کامل مشارکت‌کنندگان

انجام شد. قبل از مصاحبه، درباره موضوع، هدف تحقیق، روند کار، رعایت اصول اخلاقی و... به افراد نمونه توضیحاتی داده شد. مدت زمان جلسات بین ۱ تا ۱/۵ ساعت متغیر بود. این مصاحبه در یک دوره ۴ ماهه در نیمه اول سال ۱۳۹۷ انجام شد.

تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی فرایند معنی‌سازی داده‌ها است. در این فرایند، محققان اغلب از استراتژی‌ها و تکنیک‌های مختلف برای تفسیر و گزارش معنای داده‌ها از طریق توسعه مقوله‌ها و مضامین یا دسته‌بندی‌های دیگر استفاده می‌کنند (مریام^۱، ۲۰۰۹، ۱۹۳). در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی (نئوندورف^۲ ۲۰۰۲) استفاده شده است. در این روش منبع اصلی داده‌ها، داده‌های متنی ناشی از گفتگوهای عمیق محقق و شرکت‌کنندگان است. با طرح سؤالات محوری به شرکت‌کنندگان در تحقیق کمک شد تا تجربیات زنده خود را توصیف کنند، و از طریق گفتگوهای عمیق تلاش شد به دنیای شرکت‌کنندگان وارد شده تا به تجربیات زنده آنها دسترسی کامل پیدا کنیم.

هر مصاحبه، پس از اتمام بر روی کاغذ پیاده شد. در نتیجه، پنجاه و پنج صفحه متن حاصل شد. در این مطالعه اولین گام برای تحلیل این بود که عناصر زمینه‌ای که مخصوص هر فرد است در یک جدول مشخص شود. عناصر زمینه‌ای شامل ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی افراد است. ارائه این اطلاعات تنوع شرکت‌کنندگان در تحقیق را آشکار می‌کند (می، ۱۹۹۳: ۱۲۷). در گام بعدی، متن هر مصاحبه چندبار خوانده شد و از گزاره‌های اصلی یادداشت‌برداری شد. سپس گزاره‌ها خوانده شد و کلمات کلیدی مشخص شد. در مواردی که نیاز به یادداشت‌برداری بیشتری بود، مجدداً به متن مصاحبه مراجعه می‌شد. در مرحله بعد، بر اساس تفاوت‌ها و تشابهات در کلمات کلیدی، مفاهیم انتخاب شدند. سپس مفاهیم در دسته‌بندی انتزاعی‌تر تحت عنوان خرده‌مقوله‌ها قرار گرفتند.

در پژوهش‌های کیفی، بیشتر، بحث اعتبار مطرح است تا پایایی (این موضوع ناشی از ماهیت هستی‌شناختی و فلسفی روش‌های پژوهش کیفی است). برای دستیابی به اعتبارپذیری از سه تکنیک استفاده شد. تکنیک اعتباریابی توسط اعضاء؛ که از مشارکت‌کنندگان خواسته شده تا یافته‌های کلی مصاحبه را مطالعه و ارزیابی کرده و در مورد آن نظر دهند. روش مقایسه تحلیل؛

که در این روش به داده‌های خام مراجعه کرده تا الگویابی داده‌ها با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. همچنین در مرحله بازرسی خارجی؛ از نظارت اساتید راهنما بر کلیه مراحل پژوهش استفاده گردیده است. لذا درگیری محقق با موضوع پژوهش و داده‌هایش، همچنین مشاهده کدهای استخراج شده و متن مصاحبه‌ها توسط تنی چند از مشارکت‌کنندگان، می‌تواند تأییدی بر اعتبارپذیری پژوهش باشد. همچنین باتوجه به «باور پذیر کردن گزینشی» مدنظر فلیک، به‌عنوان یکی از روش‌های افزایش اعتبار و به معنی مستدل کردن متن با نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان (رستمی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۵: ۹۰)، در این پژوهش به‌منظور باورپذیر کردن یافته‌ها، موارد متعددی از نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان بیان شده است.

در جدول ۱، خلاصه‌ای از مهمترین مشخصه‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت‌کنندگان به‌ترتیب سن ارائه شده است. ۲۰ مرد و ۵ زن مهاجر شهرکردی مشارکت‌کنندگان این پژوهش هستند که سطح تحصیلات آنان متفاوت است. تمامی مردان مهاجر بالای ۶۰ سال، بی‌سوادند و در سایر سطوح تحصیلی تا مقطع کارشناسی ارشد در بین مشارکت‌کنندگان یافت می‌شوند. بیشتر مشارکت‌کنندگان (۱۶ نفر) متأهل و ۷ نفر مجرد و ۲ نفر بیوه هستند. جوان‌ترین و مسن‌ترین فرد در نمونه به ترتیب ۲۷ و ۷۲ ساله است و مدت مهاجرت هم از کمترین زمان و بیشترین زمان، به ترتیب ۳ سال و ۴۹ سال است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، سال ۱۳۹۷

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	مدت مهاجرت	شغل قبل از مهاجرت	شغل بعد از مهاجرت
۱	مرد	۷۲	بی‌سواد	متأهل	۴۳ سال	کارگر	کارگاه چوب
۲	مرد	۶۸	بی‌سواد	مجرد	۳۳ سال	کارگر	آشپز
۳	مرد	۶۶	بی‌سواد	متأهل	۲۷ سال	کارگر	نانوا
۴	مرد	۶۶	بی‌سواد	متأهل	۴۹ سال	شاگرد بنا	بازنشسته شرکت ذوب‌آهن
۵	مرد	۶۱	دیپلم	متأهل	۳۴ سال	کارگر	فروشنده
۶	مرد	۵۷	کارشناسی	متأهل	۱۸ سال	معلم	دارنده نمایشگاه ماشین
۷	مرد	۵۳	دیپلم	متأهل	۱۲ سال	بیکار	پخش مواد غذایی
۸	مرد	۴۸	دیپلم	متأهل	۱۲ سال	کارگر	کارگر ذوب‌آهن
۹	مرد	۴۶	کارشناسی ارشد	متأهل	۱۲ سال	کارمند	کارمند
۱۰	مرد	۴۵	کارشناسی	متأهل	۷ سال	راننده تاکسی	میوه‌فروش
۱۱	مرد	۴۲	فوق دیپلم	متأهل	۱۹ سال	بیکار	مغازدار

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	مدت مهاجرت	شغل قبل از مهاجرت	شغل بعد از مهاجرت
۱۲	مرد	۴۱	کارشناسی ارشد	متاهل	۱۵ سال	کارمند	بازرس استانداری
۱۳	مرد	۴۰	دیپلم	متاهل	۱۱ سال	میوه فروش سیار	میوه فروش ثابت
۱۴	مرد	۳۸	پنجم ابتدایی	متاهل	۹ سال	کارگر	کارگر
۱۵	مرد	۳۵	کارشناسی	متاهل	۹ سال	بیکار	حسابدار شرکت خصوصی
۱۶	مرد	۳۵	دیپلم	متاهل	۱۵ سال	کارگر	پخش مواد غذایی
۱۷	مرد	۳۷	فوق دیپلم	مجرد	۲۵ سال	دانش آموز	مکانیک
۱۸	مرد	۳۴	دیپلم	مجرد	۲۸ سال	دانش آموز	دارنده نمایشگاه ماشین
۱۹	مرد	۳۲	کارشناسی ارشد	مجرد	۷ سال	دانشجو	مشاور شهرداری
۲۰	مرد	۲۷	فوق دیپلم	مجرد	۳ سال	بنا	کارمند فرودگاه
۲۱	زن	۵۲	پنجم دبستان	بیوه	۱۳ سال	قالیباف/خانه دار	آرایشگری
۲۲	زن	۴۶	پنجم ابتدایی	بیوه	۱۵ سال	خانه دار	خدمات بیمارستان
۲۳	زن	۳۱	کارشناسی	مجرد	۹ سال	دانشجو	آموزش موسیقی
۲۴	زن	۲۹	کارشناسی	مجرد	۶ سال	دانشجو	کتاب فروش
۲۵	زن	۲۹	فوق دیپلم	متاهل	۱۵ سال	دانش آموز	دانشجو

یافته‌ها

در جدول ۲، زیرمقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با شبکه‌های مهاجرتی ارائه شده است که از سه زیرمقوله، شامل «انواع شبکه‌های مهاجرتی»، «انواع حمایت‌های دریافتی و پیوستگی و حفظ روابط با شبکه مهاجرتی» و «کاهش هزینه مهاجرتی» تشکیل شده است. نتیجه نهایی حاصل از این مطالعه عبارتست از اینکه «شبکه‌ها، در فرایند مهاجرت درگیر هستند، تسهیل‌گر مهاجرتند، افراد با شناسایی و سپس پیوندها و روابطی که با شبکه‌های مهاجرتی برقرار می‌کنند، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند و از طریق دریافت انواعی از حمایت‌ها، پیوستگی و حفظ روابط با شبکه مهاجرتی و کاهش هزینه‌های مهاجرتی تصمیمات و نیت مهاجرتی خود را به واقعیت محقق می‌سازند».

جدول ۲: مفاهیم و زیرمقوله‌های مرتبط با نقش شبکه‌های مهاجرتی در شکل‌گیری جریان مهاجرت از شهرکرد به اصفهان، ۱۳۹۷

مفاهیم	زیرمقوله
مهاجران پیشگام، خانواده، خویشاوندی، دوستی، همشهری یا هم‌محلی.	انواع شبکه‌های مهاجرتی
حمایت اطلاعاتی، حمایت مالی، حمایت شغلی، حمایت عاطفی، تسهیل امر مهاجرت، تأمین ابتدایی امکانات زندگی.	انواع حمایت‌های دریافتی از شبکه مهاجرتی
علاقه به حفظ ارتباط با مبدأ، گذران اوقات فراغت با همشهری، تلاش برای حفظ پیوستگی و حفظ روابط با همشهری، حضور در مراسم جشن همشهریان، شرکت در مراسم ملی عید نوروز، شرکت در مراسم مذهبی ماه محرم.	پیوستگی و حفظ روابط با شبکه مهاجرتی
هزینه‌های روانی؛ دوری از خانواده و اقوام، احساس غربتی در مقصد، انزوای اجتماعی؛ عدم پذیرش مهاجر، عدم اعتماد به مهاجران تازه‌وارد، مشکلات مهاجران مجرد. شیوه اسکان در مقصد.	کاهش هزینه‌های مهاجرتی

انواع شبکه‌های مهاجرتی

شبکه مهاجرتی، نوعی الگوی ارتباطی است که افراد را پس از مهاجرت به یکدیگر وصل می‌کند. بر اساس سازوکار نظام شبکه‌ای، افراد تازه‌وارد به فرهنگ جدید برای کسب اعتبار و حمایت اجتماعی سعی در شناسایی شبکه‌های مهاجرتی در دسترس خود می‌کنند. مصاحبه با شرکت‌کنندگان در مطالعه نشان داد اغلب آنها پس از آگاهی از اینکه محیط و شرایط فعلی جوابگوی نیازهای آنان نیست، تصمیم به مهاجرت گرفته و به کمک شبکه مهاجرتی، اقدام به مهاجرت نمودند. بیشتر مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که در ابتدای مهاجرت حداقل از یک حامی برخوردار بوده‌اند که مهاجرت را برای آنها آسان کرده است. در این زمینه، مهاجران پیشگام، جزء اولین مهاجرانی هستند که بدون دریافت حمایت از فرد یا گروهی وارد مقصد مهاجرت می‌شوند و حامی بسیاری از مهاجران بعد از خود هستند. البته به گفته برخی از مهاجران پیشگام، خان‌زاده‌های بختیاری جزء اولین مهاجرانی هستند که وارد اصفهان شده‌اند؛ هرچند که معمولاً جزء فعالین شبکه‌های مهاجرتی به حساب نمی‌آمدند و بیشتر آنان از ایران مهاجرت کرده‌اند. حسن (۷۲ ساله، بی‌سواد، متأهل) که ۴۳ سال پیش به اصفهان مهاجرت کرده است، درباره اولین مهاجران شهرکردی واردشده به اصفهان می‌گوید:

«اولین نفرایی که از شهرکرد اومد اصفهان خان‌زاده‌های بختیاری بودن چون اونجا هیچ امکاناتی نبود اومدن اصفهان برا درس خوندن، بهترین جاهای اصفهانم تو خونه‌های ویلایی زندگی میکردن. ... الان تقریباً همه شون از ایران رفتن. الان بیشتر مهاجرا که تو اصفهان به خاطر کار اومدن. شهرکردیام همین طورن. درسته که اصفهان شهر بزرگیه ولی داره میترکه. این سالهای اخیر اینقدر شلوغ شده که دیگه کار پیدا کردنم سخت شده».

در زمینه مهاجرت، شبکه‌های اجتماعی عمدتاً بر ارتباطات فردی با محوریت خانواده، خویشاوند، دوست و همشهری اشاره دارد. شبکه خانوادگی مهاجر شامل پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر، فرزند، و پدربزرگ؛ و شبکه خویشاوندی مهاجر شامل عمو، عموزاده، دایی، دایی‌زاده، عمه، عمه‌زاده، خاله، خاله‌زاده، پدر و مادر همسر، و فامیل همسر می‌باشد. بر اساس نظرات شرکت‌کنندگان این مطالعه، شبکه خانوادگی و خویشاوندی قوی‌ترین نوع شبکه برای حمایت از مهاجران جدید هستند که به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای جریان مهاجرت را تحت تأثیر قرار داده‌اند. این شبکه‌ها از طریق فراهم آوردن نیازهای مادی، برقراری ارتباطات اجتماعی جدید و روحیه‌بخشی، به مهاجران در سازگاری با مقصد کمک می‌کنند. علی (۵۳ ساله، دیپلم، متأهل) درباره مهمترین حامیان و مشوقین خود برای مهاجرت می‌گوید:

«... دلیل اصلی من برا اومدن به اصفهان فقط و فقط عموم بود که واقعاً زندگیمو نجات داد و آگه اون نبود معلوم نیست چه بلایی سر من می‌اومد. همیشه مادیونشم. هم بهم کار داد هم جا بهم داد. خودش خیلی اصرار داشت که برم خونشون، ولی من خودم راحت نبودم. گفت حالا که خونه نمیای بمون همین جا کارواش، جای دیگه نرو...».

در مورد استفاده از شبکه‌های مهاجرتی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی مهاجر قبل از مهاجرت اهمیت دارد، مهاجران دارای وضعیت اجتماعی و اقتصادی ضعیف، برای اقدام به مهاجرت از ظرفیت شبکه‌های مهاجرتی بزرگ استفاده می‌کنند، به این معنی که در جریان مهاجرت، هم از شبکه خویشاوندی و شبکه خانوادگی و هم شبکه دوستی و هم محلی بهره می‌گیرند. فاطمه (۲۹ ساله متأهل، فوق دیپلم) در این باره بیان می‌کند:

«بابابزرگم، عموم، عموهای مادرم، همه اصفهان بودن. برای من همیشه شرایط زندگیشو تو اصفهان خیلی جالب بود. خیلی دوست داشتم بیام اصفهان. بابابزرگم همیشه به بابام

می‌گفت بیا اصفهان، شرایط کارت بهتر می‌شه، ولی بابام قبول نمی‌کرد. بابابزرگم می‌دونست که من خیلی دوست دارم برم. برا همین به بابام گفت که اجازه بده من برم اصفهان درس بخونم. اولاش قبول نمی‌کرد؛ ولی بابابزرگم بالاخره راضیش کرد. بعد از اینکه رفتم دانشگاه بابابزرگم خودش کمک کرد تا به خونه خوب پیدا کردیم. اون موقع تو به شرکت منشی بودم و خرجم خودم می‌دادم...».

مصاحبه‌شوندگانی که از وجود یک یا چند حامی در مقصد استفاده کرده‌اند، مهاجرت نسبتاً راحت‌تری نسبت به سایر مهاجران و همچنین مهاجران پیشگام داشته‌اند. رضا (۳۷ ساله، فوق دیپلم، مجرد) در مورد حامیان خود در مقصد بیان می‌کند:

«برادر بزرگم به ۲۷ یا ۲۸ سال پیش با یک دختر اصفهانی ازدواج کرد. به خاطر خانواده همسرش و اینکه تو اصفهان شغل خوبی براش پیدا کرده بودن به اصفهان مهاجرت کرد. برادرم همیشه با بابام از شرایط کاری و امکانات و اینکه تو اصفهان زندگی کردن خیلی بهتره صحبت می‌کرد. می‌گفت خواهر برادرام اونجا می‌تونن پیشرفت کنن و بهش این اطمینان رو می‌داد که شرایط مهاجرت براش فراهمه. البته حضور داییم که اصفهانه خیلی کمک‌کننده بود؛ هرچند بیشترین حمایتو برادر بزرگم کرد که من مهاجرت کنم. من از شرایط شهرکرد راضی نبودم حتی برای درس خوندن هرچند به نیت ادامه تحصیل نیومدم اصفهان ولی مطمئن بودم بیکار نمی‌مونم و خدا رو شکر همون جوری شد که می‌خواستم...».

مجتبی (۴۲ ساله، فوق‌دیپلم، متأهل) نیز درباره حمایت‌های دریافتی از خانواده و بستگان برای حضور در شهر اصفهان می‌گوید:

«عموم بود که اول بهم کمک کرد، بعد داداشم. من ازدواج که کردم و داداشم شرایطمو می‌دونست. خودش اینجا مغازه داشت. گفت بیا پیش خودم. منم اوادم. به چند ماه خانومم رو نیوردم اصفهان، شباً تو به اتاق خونه داداشم می‌خوابیدم. زمانی که به کم جا افتادم و به دوتا خیابون یاد گرفتم، همون نزدیک خونه داداشم و عموم خونه اجاره کردم. اگه کمکم نمیکردن نمی‌تونستم خیلی زود خونه اجاره کنم و خانوممو بیارم. به چند وقتی خونه داداشم موندم به ذره پس انداز کردم تا تونستم خونه اجاره کنم...».

همان‌طور که ملاحظه شد پاسخگویان در این مطالعه باتوجه به کاستی‌هایی که در محل زندگی در مبدأ داشتند و مشاهده تغییرات نحوه زندگی و شرایط اقتصادی و اجتماعی اقوام و خویشاوندان خود که بعد از مهاجرت ایجاد شده، برای مهاجرت ترغیب شدند. گاهی قبل از اینکه فرد خود به فکر مهاجرت بیفتد، تشویق افراد مهاجرت کرده و بیان مزایای مهاجرت اعم از اشتغال بهتر، امکانات، پیشرفت و نیز شرایط خوب زندگی و بیان جذابیت‌ها در شهر اصفهان در مقایسه با شهرکرد، به‌عنوان مشوق مناسبی عمل کرده‌اند. همچنین بر اساس یافته‌های فوق در این مطالعه، شبکه خانوادگی و خویشاوندی قوی‌ترین نوع شبکه برای حمایت از مهاجران بوده است. این شبکه‌ها ابتدا از طریق ارائه اطلاعات در مورد مزایای جامعه مقصد به مهاجرین بالقوه و سپس با فراهم آوردن برخی نیازهای مادی، برقراری ارتباطات اجتماعی جدید و روحیه بخشی به مهاجران در سازگاری با مقصد و تداوم مهاجرت نقش اساسی داشتند.

حمایت‌های دریافتی از شبکه‌های مهاجرتی

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بیان کردند که در مرحله اول پس از ورود آنها به شهر مقصد، وجود هم‌زبان و هم‌شهری و یا خویشاوند از استرس و شوکی که به علت غربت و ناآشنایی با مقصد مهاجرتی برای آنها ایجاد شده کاسته است و شناخت آنان را از فرهنگ و محیط جغرافیایی مقصد افزایش داده است. علاوه بر آن، وجود اقوام و بستگان و آشنایان در مقصد مهاجرتی، توانسته کمک بسیار زیادی به آنان در امور شغلی، جستجوی منزل مناسب برای اسکان و نیز آگاهی از شرایط زندگی در شهر جدید ارائه دهد. حمایت‌هایی که مصاحبه‌شوندگان از شبکه‌های مهاجرتی دریافت نموده‌اند شامل: حمایت مالی، اطلاعاتی، شغلی، عاطفی، تسهیل‌گری امر مهاجرت و رفع مشکلات اولیه مهاجرت بوده و این حمایت‌ها در افزایش میزان مهاجرت از شهرکرد به شهر اصفهان نقش زیادی داشته‌اند. ازجمله حمایت‌هایی که نقش مهمی در تصمیم و تداوم مهاجرت داشته است حمایت‌های شغلی و مادی شبکه‌ها بوده است. مهدی (۲۹ ساله، کارشناسی، متأهل) در مورد حامی مالی خود در مقصد بیان می‌کند:

«اگه پدرم و برادرام نبودن که من اصلاً نمی‌تونستم پیام اصفهان، بابام خرجمونو می‌داد تا

من خودم کار کردم. تو خونه بابام بودیم تا خونه پیدا کردم. برادرام خیلی بهم پول

رسوندن. اون موقع هیچ پس‌اندازی نداشتم که بتونم تو اصفهان بمونم یه چند وقت بابام

و داداشم حمایت کردن تا تونستم یه ذره پیش بیفتم و پس انداز کنم...».

زهر (۳۸ ساله، دیپلم، متأهل) در خصوص کمک به والدینش برای مهاجرت بیان می‌کند:

«...من الان به کمک شوهرم داریم شرایطی فراهم می‌کنیم که پدر و مادرم بیان اصفهان.

الان منو خواهرم اصفهانیم... شغل پدرم دوره‌گرفته، اصفهان درآمدش خیلی بهتره تا

شهرکرد. ... چند روز آزمایشی اومد خونه من موند و رفت سر کار خیلی راضی بود. الان

داره کاراشو انجام می‌ده که کم‌کم بیاد اصفهان. من تقریباً خونه رو هم براشون اوکی کردم

فقط مونده بابام بیاد اجاره کنه. به نظرم خیلی براشون خوبه که بیان... البته بابام نمی‌خواد

طولانی مدت بمونه برا همین خونه‌شو توی شهرکرد نمی‌فروشه».

امیرعلی (۲۹ ساله، کارشناسی، متأهل) در خصوص حمایت و همراهی اقوام در تسهیل امر

مهاجرت خود بیان می‌کند:

«من چون خونه بابا بزرگم اصفهان بود. خودمو خانوادهم خیالمون از خونه راحت بود. تا

زمانی که شاغل شدم تو خونه بابابزرگم ساکن بودم. خدا رو شکر برا خونه مشکلی

نداشتم. زمانیم که خواستم از خونه بابا بزرگم برم و با دوستانم خونه بگیرم، بابا بزرگم

خودش دنبال خونه رفت برامون. ترجیح می‌داد خونه نزدیک خودش بگیره که خدا رو

شکر زودی پیدا کرد...».

بر اساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان، حمایت‌های ارائه‌شده به مهاجران توسط پیشگامان در

دوره‌های گذشته، با حمایتی که مهاجران بعدی در شبکه‌های مهاجرتی به سایر افرادی که قصد

مهاجرت داشته‌اند، ارائه داده‌اند متفاوت شده است. حمایت پیشگامان اولیه از مهاجران، حمایت

همه‌جانبه‌ای بوده که شامل انواع حمایت‌های اطلاعاتی، مالی، عاطفی و... بوده است و پیشگامان

نسبت به مهاجرانی که با راهنمایی آنان مهاجرت کرده، احساس مسئولیت می‌کردند. درحالی‌که

حمایت‌های مهاجران چند سال اخیر بیشتر از نوع حمایت اطلاعاتی بوده است. مهاجران

دراین‌باره بیان کرده‌اند که توان حمایت مالی (به‌علت هزینه‌های بالای زندگی) و زمان ارائه

حمایت‌های عاطفی را (به‌علت مشغله‌های زیاد زندگی در مقصد) به مهاجران جدیدتر ندارند.

حسین (۳۷ ساله، کاردانی، متأهل) در مورد راهنمایی مهاجران در مقصد بیان می‌کند:

«یه چند نفر از اقوامم به کمک من و برادرم به اصفهان مهاجرت کردن که هم مالی کمک

کردم، هم راهنمایی کردم، ...خیلی از دوستانم و همشهریام با مشورت من مهاجرت کردن که البته برام مقدور نبود به لحاظ مالی کمکشون کنم؛ ولی خیلی راهنمایشون کردم و تا زمانی که کارشون سرو سامون بگیره همراهیشون بودم».

این پاسخگو در ادامه می‌گوید:

«خودم هم همینطوری اینجا اومدم و سروسامون گرفتم. ...جامعه ما باید به همه خدمت کند. اونی هم که مهاجرت می‌کند از سر اجبار آمده باید وقتی میاد به شهر یا استانی جایی باشد اطلاعات بدهد؛ برای زمان موقت اقامت بدهد؛ مثل مهاجرت‌های بین المللی. اما حالا که نیست ما مردم خودمان باید هوای همدیگر را داشته باشیم».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این پاسخگو با یادآوری زمان مهاجرتش به اصفهان و تأثیری که شبکه دوستی و همشهری‌هایش بر کاهش مشکلات وی داشتند، بر تداوم حمایت‌هایش از مهاجرینی که مقصد مهاجرتی‌شان اصفهان است تأکید دارد و آن را امری انسانی و مهم برای حمایت و کمک به افراد جامعه تلقی می‌کردند. علاوه‌برآن، به ضعف سیستم نهادی برای حمایت از مهاجرین نیز اشاراتی دارد.

پیوستگی و حفظ روابط با شبکه مهاجرتی

مهاجران در این مطالعه بیان داشتند که با ایجاد ارتباط و تعامل‌های اجتماعی در محیط زندگی جدید با همشهریان و اعضای شبکه مهاجرتی، سعی در بازسازی شبکه‌های اجتماعی داشتند. از نظر آنها حفظ ارتباط‌های اجتماعی و حضور در مراسم‌های قومی، علاوه بر افزایش احساس تعلق فرد به شهر و فرهنگ خود، باعث شده که انتقال نسلی در امر فرهنگ و آداب رسوم ایجاد شوند و نیاز فرد برای دریافت حمایت از خانواده به تدریج کاهش یابد. مرتضی (۵۴ ساله، متأهل و بی‌سواد) در خصوص علاقه به تداوم ارتباط با همشهریان و شهر خود بیان می‌کند:

«عروسی می‌ریم، عروسی اقواممون، هر مراسمی و عروسی‌یی باشه می‌ریم. دوست دارم که تو مراسم شرکت کنم. دلم نمی‌خواد ارتباطمو قطع کنم، دوست دارم با این ارتباط اصلتمو حفظ کنم، بیشتر مراسم‌های همشهریام تو اصفهان شرکت می‌کنم، ولی شهرکردم مدام می‌رم سر می‌زنم».

محسن (۳۸ ساله، متأهل، پنجم ابتدایی) در مورد شرکت در مراسم ماه محرم به‌همراه

هم‌ولایتی‌هایش بیان می‌کند:

«اصفهان همین دولت‌آباد که زندگی می‌کنیم، یه هیئت داریم به‌نام هیئت چهارده معصوم، اونجا اکثراً همه شهرکردین. آره همه شهرکردیو اطراف شهرکرده بیشتر تو همون هیئت خب همو می‌شناسیم و با هم باشن راحت‌ترن. من خودم به شخصه دلم می‌خواد با همشهری خودم باشم تا با یه غریبه. خانومم هم فقط با همشهریا رفت و آمد می‌کنه. میگه تو اصفهان این جووری راحت ترم، اذیتم نمی‌شم تو شهر غریب...».

مهاجران جدید توانسته‌اند از طریق افزایش ارتباط و استحکام در روابط با دیگر همشهریان خود در مقصد، به افزایش سرمایه اجتماعی خود کمک کنند. درواقع، اضافه شدن به تعداد مهاجران و حفظ ارتباط با یکدیگر در محیط اجتماعی جدید، باعث شده است که به مرور زمان، شدت و کیفیت ارتباط بین آنان بهبود یافته و احساس غربت و تنهایی که ناشی از جدایی و یا دور شدن مهاجر از محلی که درون آن رشد یافته را کاهش یابد. همچنین در انطباق و سازگاری بهتر مهاجر با زندگی شهری کارساز واقع شود باشد. البته مهاجران پیشگام بیشتر از مهاجران جدید و جوان، علاقه‌مند به حفظ ارتباط با همشهری‌ها و مبدأ بوده‌اند و اوقات فراغت خود را بیشتر با همشهری‌ها و یا اقوام خودشان می‌گذرانند و سعی در حفظ اصالت خود دارند. اکبر (۶۶) ساله، متأهل، بی‌سواد) در مورد ارتباط با همشهریانش بیان می‌کند:

«من بیشتر رفیق‌ام که باهاشون رفت و آمد دارم همشهری‌ام. بیشترشون همکارمن تو ذوب آهن که با هم آشنا شدیم و رفت آمد خانوادگی داریم و هنوز در ارتباطیم. می‌ریم بیرون، پارک می‌شینیم صحبت می‌کنیم. همیشه هرجا یه همشهری ببینم سریع باهاش جفت‌وجور می‌شم. دوست دارم از احوال همشهری‌ام تو شهر اصفهان خبر داشته باشم. خیلی خوبه که آدم همشهریاش دور و برش باشن...».

مصطفی (۳۲ ساله، کارشناسی ارشد، مجرد) در مورد شرکت در مراسم جشن همشهریانش

می‌گوید:

«...خب بالاخره همه باید به اصل خودشون برگردن. چون هنوز متکی و وابسته به اون شرایطن. منم همین‌طور؛ دوست ندارم از اصل خودم فاصله بگیرم مراسمات جشن هم شهریا مو شرکت می‌کنم. چه شهرکرد چه اصفهان... شاید یه بار جشن با کارم هم‌زمان

بشه نرسم برم؛ ولی سعی می‌کنم همه رو برم...».

سعید (۴۹ ساله، پنجم ابتدایی، متأهل) در خصوص رفت‌وآمد به شهرکرد بیان می‌کند: «چون شبا بیکارم، اگر یه عروسی باشه سعی می‌کنم برم، ولی تو طول روز چون مجبورم به موقع بار دست مشتری برسونم نمی‌تونم برم. درسته که من زندگیم تو اصفهان روبه راه شده، ولی دلم نمی‌خواد ارتباطم با شهرمو هم شهر یام قطع بشه. من پدر مادرم اونجان خواهرام همین‌طور...»

در بحث ازدواج مهاجران، بیشتر مصاحبه‌شوندگان قبل از مهاجرت به اصفهان متأهل بوده‌اند. مهاجران مجرد نیز به لحاظ فرهنگی خود را تاحدی متفاوت با فرهنگ مردم شهر اصفهان می‌دانند و برای همسرگزینی، ازدواج درون‌شبکه‌ای با آداب رسوم مبدأ را ترجیح می‌دهند. مهدی (۳۱ ساله، کارشناسی، مجرد) در مورد انتخاب خود برای ازدواج می‌گوید:

«اگر قرار باشه ازدواج کنم حتماً با همشهریم ازدواج می‌کنم، حالا یا شهرکرد یا همشهریام که الان اصفهانن. به این اعتقاد دارم که هرکسی باید با هم‌فرهنگ خودش ازدواج کنه تا تو زندگی به مشکل برنخوره. منم حتماً برای ازدواج با همشهری خودم ازدواج می‌کنم. من خیلی رسومات اصفهانیا را برا ازدواج دوست ندارم. به نظر نسبت به شهرکرد خیلی سخت‌گیرترین...».

کاهش هزینه‌های مهاجرتی

مصاحبه‌ها نشان داد احساس تنهایی، از شایع‌ترین مشکلات مهاجرت است. حتی زمانی که فرد برای مهاجرت کردن انگیزه بسیاری داشته باشد، باید خودش را برای تنهایی و احساس غربت آماده کند. در مواردی که همه اعضای خانواده مهاجرت کرده باشند، این احساس تنهایی و غریبی کمتر از زمانی است که فرد به تنهایی اقدام به مهاجرت می‌کند. باتوجه‌به‌اینکه بیشتر مصاحبه‌شوندگان به‌خصوص در ابتدای مهاجرت خود، شهر اصفهان را شهر خود نمی‌دانستند و خود را یک غریبه احساس می‌کردند، وجود شبکه‌های مهاجرتی در مقصد می‌تواند هزینه‌های روانی را کاهش داده و به مهاجر کمک کرده تا سریع‌تر با شرایط جدید در مقصد انطباق پیدا کند. علی (۳۸ ساله، پنجم ابتدایی، متأهل) در مورد روابط خود با همشهریانش در مقصد بیان می‌کند:

«اکثراً بیشتر با همین همشهریاییم. چون ما اونجایی که ساکنیم بیشتر اونا هم شهرکردی و اطراف شهرکردن تقریباً. خونگرم‌ترن. مثلاً آگه ما یهو یه نون کم بیاریم می‌تونیم بریم در خونه همساده رو بزیم بگیم دوتا نون بده. ولی نمی‌شه مثلاً رو بزنی به همسایه‌های اصفهانی، نمی‌شه... آره نمی‌دن؛ یا شایدم بدنا ولی آدم روش نمی‌شه. اصن اینجا کسی نمی‌شناسه همساده رو، همیشه آدم با همشهریش راحت تره ما بختیار یا خون گرمیم همه جا اینطوری نیستن...».

تفاوت فرهنگی بین مبدأ و مقصد مهاجرتی باعث انزوای اجتماعی مهاجر می‌شود و مشکلاتی نظیر عدم پذیرش مهاجر، عدم اعتماد به مهاجران تازه‌وارد و مشکلات مربوط به مهاجران مجرد در مقصد را به وجود می‌آورد. در مصاحبه‌های انجام‌شده مشخص شد مهاجران مجرد و مهاجران پیشگام که سال‌های پیش مهاجرت کرده‌اند، با بی‌اعتمادی بومیان در مقصد روبرو بوده و برای اسکان مشکلات بیشتری داشته‌اند، ولی مهاجران جدید با چنین مقاومت‌هایی کمتر روبرو هستند. وجود شبکه‌های مهاجرتی تاحدودی این مشکلات را مرتفع کرده و مهاجر برای اسکان از طرف شبکه حمایت می‌شود. سعید (۲۷ ساله، مجرد، دیپلم) در مورد مسائلی که برای اسکانش در مقصد به وجود آمده می‌گوید:

«من چون مجردم هر جا برای اجازه کردن خونه می‌رم بهم خونه اجازه نمیدن. برا همین مجبورم برم پیش رفیقایی که خونه دارن. خودمم خیلی معذیم. آگه خونه از خودم باشه راحت ترم. ولی متأسفانه می‌گن خونه به مجرد نمی‌دیم».

حسن (۷۲ ساله، متأهل، بی‌سواد) در مورد بی‌اعتمادی نسبت به مهاجر در مقصد بیان می‌کند:

«اون موقع که من اومدم اصفهان ایتقد مهاجر نبود. مردم اصفهان دید خوبی به مهاجر نداشتن. من یه زمینی داشتم وقتی خواستم خونه درست کنم، مردای همون محله که همه اصفهانی بودن مخالفت کردن. گفتن ما نمی‌خوایم یه غریبه اینجا خونه درست کنه؛ اعتماد نداریم. خیلی بدبختی کشیدم. رفتیم، اومدم تا بالاخره اجازه دادن خونه بسازم ولی الان دیگه این جور نیست...».

علی (۵۳ ساله، دیپلم، متأهل) در مورد عدم پذیرش مهاجر در مقصد بیان می‌کند:

«زمانی که می‌خواستم خونه بگیرم رفتم تو یه ساختمون خونه اجازه کنم، همسایه‌ها زمانی

که فهمیدن من اصفهانی نیستم همه اعتراض کردن، نمی‌خواستن مهاجر بره تو ساختمونشون. می‌گفتن ما اعتماد نداریم. خیلی تلاش کردم ولی راضی نشدن مجبور شدم برم جای دیگه...».

از جمله موارد قابل استخراج از مصاحبه‌ها شیوه اسکان در مقصد و حاشیه‌نشینی مهاجران است. مهاجران پیشگام در مقصد بیشتر در مرکز شهر اسکان دارند؛ اما مهاجران تبعی در حاشیه شهر ساکنند. با گذشت زمان و بالا رفتن قیمت زمین در مقصد و پایین بودن توان مالی مهاجران، بیشتر آنها در حاشیه شهر و شهرک‌ها و نزدیک به شبکه مهاجرتی که حمایتش کرده اسکان می‌یابند. رضا (۴۰ ساله، دیپلم، متأهل) در مورد ملاک انتخاب محل سکونت خود در مقصد بیان می‌کند:

«تقریباً چون ما شغلمون به جوریه که آزاده باید به جاهایی بریم که به منبع درآمدمون بخوره. تقریباً به جاهایی که همشهریامونم باشن چون غربیه‌تریم و با خلق و خوی اصفهان آشنا نیستیم. به جایی رو انتخاب می‌کنیم که نزدیک فامیلا و همشهریا باشیم که بتونیم رفت و آمد کنیم و اگه کمکی چیزی خواستیم ازشون بگیریم. بیشتر حاشیه‌نشین، الان ما ملک شهر اصفهانیم. چون درآمد ما جوری نیست که بخوایم تو مرکز و جاهای بهتر شهر زندگی کنیم».

یوسف (۶۸ ساله، بی‌سواد، متأهل) در مورد حاشیه‌نشینی بودن مهاجران در مقصد بیان می‌کند:

«اینکه همه مهاجرا تو به منطقه باشن، نه این‌طوری نیست. همه جای اصفهان هستن؛ ولی بیشتر پیش هم خونه می‌گیرن. یعنی پیش آشنای خودشون اینجوری زیاد غربی‌شون نمیشه. الان دیگه همه اطراف شهرن. خیلی کم میان وسط شهر. زورشون نمیره. خود منم که خونه درست کردم اون زمان وسط شهر نبودم. الان که شهر پیشرفت کرده ما شدیم وسطای شهر. قدیمی‌ترا این اطرافن؛ ولی این جدیداً همه اطراف شهرن...».

همان‌طور که دیدیم مهاجرت سختی‌ها و مشکلاتی دارد. علاوه بر هزینه‌های مادی، که بسیاری از مهاجرین در ابتدای مهاجرت جهت تهیه مسکن و شغل متحمل می‌گردند، با هزینه‌های روانی نیز روبرو هستند. وجود شبکه‌های مهاجرتی و تداوم روابط اجتماعی مهاجران با شبکه‌هایی که در مقصد شناسایی می‌نمایند، هزینه‌ها و خطرهای برای مهاجران جدید را کاهش می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه نقش شبکه‌های مهاجرتی در شکل‌گیری جریان مهاجرت از شهرکرد به شهر اصفهان با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی مورد واکاوی قرار گرفت. شبکه‌های ارتباطی، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای، با روند مهاجرت درگیر هستند. این شبکه‌ها که به شبکه‌های مهاجرتی تعبیر می‌شوند، پیوستگی بین افراد است که به‌وسیله مهاجرین پیشین با کمک افراد دیگر اقدام به مهاجرت در قالب پیوندهای خویشاوندی، دوستی و یا حتی افرادی که در محیط زندگی مشترکی زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرند. اغلب افراد پس از آگاهی از اینکه محیط و شرایط فعلی جواب‌گوی نیازهای آنان نیست، به تفکر در خصوص مهاجرت می‌پردازند. مهاجران عموماً برای مهاجرت مقاصدی را انتخاب می‌کنند که بتوانند با ساکنین آن ارتباط برقرار کنند.

نتایج این مطالعه نشان داد مهاجرین همواره ارتباط خود را با جامعه مبدأ حفظ می‌کنند. این پیوند از طریق روابط خانوادگی، خویشاوندی، دوستی، هم‌ولایتی، همسایگی و بسیاری از روابط دیگر انجام می‌گیرد. زمانی که مهاجرین پیشگام از دستاوردهای مهاجرت خود صحبت می‌کنند، افراد دیگر را به مهاجرت تشویق کرده و ساختار شبکه مهاجرتی را بنیان می‌گذارند. پاسخگویان در این مطالعه باتوجه به کاستی‌هایی که در محل زندگی در مبدأ داشته و مشاهده تغییرات نحوه زندگی و شرایط اقتصادی و اجتماعی اقوام و خویشاوندان خود، که بعد از مهاجرت ایجاد شده، برای مهاجرت ترغیب شده‌اند. گاهی قبل از اینکه فرد خود به فکر مهاجرت بیفتد، تشویق افراد مهاجرت‌کرده و بیان مزایای مهاجرت اعم از اشتغال بهتر، امکانات، پیشرفت و نیز شرایط خوب زندگی و بیان جذابیت‌های شهر اصفهان نسبت به شهرکرد به‌عنوان مشوق مناسبی عمل کرده‌اند. مهاجرین با استفاده از تجربیات مهاجرین پیشگام و از طریق منابع اطلاعاتی که به‌دست آورده‌اند، و با آگاهی از هزینه‌های مهاجرت، اقدام به مهاجرت کردند. مهاجران جدید با نگاهی باز و آگاهی بیشتر، تاحدی از مخاطراتی که در ابتدای مهاجرت وجود دارد جلوگیری کرده و به‌این‌صورت خطرات مهاجرت را برای خود کاهش داده‌اند.

نتایج نشان داد زمانی که افراد اقدام به مهاجرت کرده‌اند به‌دلیل احساس بیگانگی و غریب بودن ارتباط خود را با همشهری‌های شهرکردی حفظ کرده‌اند. زمانی که مهاجران با همشهری‌ها و دوستان و یا اقوام خود که به زبان آنها نیز صحبت می‌کردند تعامل برقرار کردند و حتی برای مدت کوتاهی با آنها زندگی کردند، توانستند نگرانی‌های ناشی از ورود به محل ناآشنا را بکاهند.

و در شهر جدید کمتر احساس بیگانگی داشته باشند. روابط اجتماعی که از طریق این شبکه‌ها به وجود آمده جریان چرخشی اطلاعات در زمینه جاذبه‌های مقصد و نیز انطباق‌پذیری آنان را در مقصد و کاهش هزینه‌های ناشی از دور شدن از خانواده و دوستان را تسریع کرده است.

شبکه‌های مهاجرتی شامل شبکه خویشاوندی مهاجر، شبکه خانوادگی مهاجر، شبکه دوستی مهاجر و شبکه هم‌محلی مهاجر بودند. با این حال، بیشترین حمایت از طرف شبکه خویشاوندی مهاجر و بعد از آن شبکه خانواده مهاجر در جریان مهاجرت از شهرکرد به اصفهان تأثیرگذار بوده است. در تحقیقی که قاسمی و محمودیان (۱۳۹۳) انجام دادند نیز به این نتیجه رسیدند که مهاجران با یک نسبت خویشاوندی و آشنایی به شبکه‌های اجتماعی در مقصد ملحق شده‌اند. وجود خویشاوند و آشنا در مقصد مهاجرتی می‌تواند عمل مهاجرت را برای کنشگر تسهیل نماید که این در مورد مهاجران شهرکرد در شهر اصفهان نیز صدق می‌کند. رجایی و صحنه (۱۳۹۴) هم به این نتیجه رسیده‌اند که تمرکز مهاجران در تهران به دلیل حفظ رابطه قوی و مستحکم بین مهاجران بوده است. در تحقیق پیش رو نیز افزایش مهاجرت شهرکردی‌ها به شهر اصفهان حاصل رابطه قوی بین مهاجران بوده است. گومز و سانتور^۱ (۲۰۰۱) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که پیوند مناطق مبدأ و مقصد می‌تواند از طریق روابط خانوادگی، خویشاوندی، دوستی، هم‌ولایتی، همسایگی و بسیاری از روابط دیگر انجام گیرد. هر یک از این پیوندها و روابط بازگوکننده نوع خاصی از شبکه‌های اجتماعی بوده و مشخص است که قدرت و نحوه تأثیرگذاری هر یک از آنها در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت متفاوت است.

یافته‌های مطالعه نشان داد که شبکه‌ها در تمام فرایند مهاجرت نقش دارند. شبکه‌ها در مرحله آمادگی و شروع فرایند مهاجرت، در مسیر مهاجرت تا رسیدن به مقصد، و در نهایت، در مقصد و ادغام مهاجر، به‌طور فعال و پویا، حضور داشتند. شبکه‌های مهاجرتی که پاسخگویان به آنها راه یافته بودند، مهاجرت را به چندین روش تسهیل کرده است. زمانی که فرد مهاجرت می‌کند در ابتدا با مشکلاتی همراه است. وجود یک آشنا و حامی می‌تواند برای مهاجر یک دلگرمی باشد. در تحقیق حاضر بیشتر مهاجران از حمایت شبکه مهاجرتی برخوردار بوده‌اند، اما مهاجران پیشگام از حمایت کمتری برخوردار بوده و یا اصلاً حمایت‌کننده‌ای نداشته‌اند. حمایت‌های شبکه‌های مهاجر شامل: حمایت مالی، اطلاعاتی، عاطفی، تأمین ابتدایی امکانات زندگی بوده

است. مهاجران معتقدند که اگر این حمایت‌ها وجود نداشت، امکان مهاجرت برای آنها وجود نداشت. حمایت‌های شبکه‌های مهاجر در طول زمان دستخوش تغییر شده است. حمایت‌هایی که مهاجران پیشگام، از مهاجران بعد از خود کرده‌اند، هم مالی، هم عاطفی، و هم اطلاعاتی بوده است و مهاجر پیشگام نسبت به مهاجرانی که از آنها حمایت نموده احساس مسئولیت می‌کند. به‌نحوی که سال‌ها از هر نظر آنها را حمایت کرده است؛ درحالی‌که، اخیراً، حمایت شبکه‌های مهاجر فقط در حد حمایت اطلاعاتی بوده است.

این تحقیق نشان داد که حمایت‌های دریافتی از شبکه‌های مهاجرتی نقش تعیین‌کننده‌ای در جریان مهاجرت از شهرکرد به شهر اصفهان داشته است. بیشتر مصاحبه‌شوندگان از حمایت شبکه‌ها برخوردار بوده‌اند، و مهاجرت بدون حمایت از طرف شبکه را غیرممکن می‌دانستند. آنها حتی بیان می‌کنند که اگر شبکه‌ها نبودند تصمیم به مهاجرت هم صورت نمی‌گرفت. میزان دریافت حمایت به وضعیت اجتماعی و اقتصادی مهاجر بستگی دارد. اگر مهاجر از وضعیت اجتماعی و اقتصادی ضعیفی برخوردار باشد به حمایت بیشتری برای مهاجرت نیازمند است. در این تحقیق، چون بیشتر مهاجران از نظر اجتماعی و اقتصادی ضعیف بودند، به حمایت همه‌جانبه از طرف شبکه نیاز داشته‌اند.

مهاجران پیشگام منبع مهمی از حمایت برای مهاجران جدید هستند. پیشگامان با حمایت همه‌جانبه، نقش اساسی در جریان مهاجرت دارند و مهاجران بعد از خود را مدیریت می‌کنند. در این مطالعه، تماس پاسخگویان با مهاجران پیشگام به آنها نشان داده بود که آنها ممکن است در اصفهان از رفاه بیشتری برخوردار باشند. شبکه‌ها نقش پررنگی در جستجو و یافتن شغل مهاجران داشته‌اند. همان‌گونه که گازمن^۱ و همکارانش (۲۰۰۴) مطرح می‌کنند شبکه‌های اجتماعی می‌توانند زمان اختصاص داده‌شده در انتخاب دوراهی‌ها و جستجوی شغل را کاهش دهند. شبکه‌ها شامل دوستان، خانواده و یا همشهری‌ها، از طریق ارائه اطلاعات درباره محل اسکان و یا معرفی آنها به کارفرمایان و اسکان دادن مهاجرین تا زمان یافتن مسکن و شغل، هزینه‌های مهاجرت را برای آنها تا حد زیادی کاهش داده است.

شبکه‌های مهاجر با کمک کردن به افراد در پیدا کردن شغل، منافع مورد انتظار مهاجرت را

افزایش می‌دهند. یافته‌های این مطالعه با نظرات کوران و ریورو^۱ (۲۰۰۳: ۴۵) و کارینگتون^۲ و همکارانش (۱۹۹۶) همسو است. نتایج مطالعه نشان داد تأثیر ساختاری شبکه‌ها در محاسبه هزینه-فایده (شاستاد، ۱۹۹۲)، جریان مهاجرتی را شکل داده و با کاهش هزینه‌های مادی شامل: کمک به مهاجرین تازه وارد در یافتن مسکن و شغل، هزینه تهیه مواد غذایی، حمل و نقل و... و همچنین کاهش هزینه‌های روانی، منجر به تداوم جریان مهاجرت شده است. کارینگتون و همکارانش (۱۹۹۶) معتقدند وقتی که شبکه مهاجران قبلی محقق می‌گردد، هزینه‌های حرکت در مقصد کاهش می‌یابد. زیرا مهاجران قبلی اطلاعاتی را در مورد شغل و بازار مسکن به غیرمهاجران حاضر در زادگاه ارائه می‌دهند. مهاجران قبلی در یافتن شغل و مسکن به مهاجران تازه وارد کمک می‌کنند و از این طریق هزینه سازگاری مهاجران جدید با محیط مقصد را کاهش می‌دهند.

نتایج این مطالعه نشان داد وجود شبکه‌ها و ارتباطات و تماس‌های حاصل از این گونه شبکه‌ها، نوعی سرمایه اجتماعی برای مهاجرین به‌شمار می‌آید و آنها به‌واسطه این سرمایه‌ها انواعی از حمایت‌های عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و... را دریافت می‌کنند. شبکه‌ها به‌وسیله حمایت‌های عاطفی که به مهاجرین ارائه می‌دهند، از هزینه‌های روانی مهاجرت می‌کاهند. علاوه بر آن، با حمایت اقتصادی شامل: اسکان موقت و کمک به جستجو و دسترسی به موقعیت‌های شغلی بهتر هزینه‌های اقتصادی را در مراحل اولیه مهاجرت کاهش می‌دهند. این یافته‌ها نظریات بورديو (۱۹۸۵)، پاتنام (۱۹۹۳)، لین^۳، و پرتز (۱۹۹۸) در خصوص سرمایه اجتماعی ناشی از شبکه‌ها را تأیید می‌کند.

یافته‌ها همچنین نشان داد مهاجرت‌های شبکه‌ای که نوعی مهاجرت زنجیره‌ای محسوب می‌شوند، روند مهاجرت را افزایش می‌دهند. به این صورت که به مرور زمان، مهاجران جدید در تشویق سایر افراد به مهاجرت نقش به‌سزایی دارند. مهاجران زمانی که به شهر خود (شهرکرد) بازمی‌گردند و در مراسم مختلف ملی و مذهبی شرکت می‌کنند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم دیگران را به مهاجرت تشویق می‌نمایند. با افزایش ورود مهاجران ارتباطات نوینی بین جامعه مبدأ و مقصد به وجود می‌آید، به نحوی که جامعه مقصد نیز برخلاف گذشته که به‌سختی مهاجرین را در خود جای می‌داد، اکنون با افزایش ارتباطات بین دو شهر، مهاجرین جدید را راحت‌تر می‌پذیرد و مهاجران نیز بهتر با

1. Curran & Rivera
2. Carrington
3. Lin

زندگی در مقصد سازگار می‌شوند. بنابراین، باتوجه به نتایج مطالعه مسی و اسپینوزا^۱ (۱۹۹۷) و گاست و استام (۱۹۹۳) انتظار می‌رود مهاجران بالقوه نیز شهر اصفهان را به عنوان کانون مهاجرتی تلقی کنند و افرادی که تمایل به ترک شهرکرد دارند، این شهر را به عنوان مکان مناسبی برای زندگی انتخاب کنند و به این ترتیب تداوم ورود مهاجرین از شهرکرد به اصفهان مورد انتظار خواهد بود. در مجموع، شبکه‌ها، از یک سو، زمینه کاهش مشکلات مهاجرین در مقصد را فراهم نموده، به مهاجران در هزینه‌های سفر، یافتن شغل یا لوازم ضروری کمک رسانده و فرآیند مهاجرت را به واسطه کاستن از هزینه‌ها و خطرات احتمالی تسهیل می‌سازند، و زمینه حفظ و بازتولید الگوها و رفتارهای فرهنگی جامعه مبدأ را موجب می‌شوند، از سوی دیگر، ممکن است باعث تداوم جریان‌های مهاجرتی و یا تشدید آن شوند. باید در نظر داشت که دسته‌ای از مهاجرین، به ویژه مهاجرین جدید، ممکن است به شبکه‌های محدودی دسترسی داشته باشند و یا به دلیل شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه چندان از پوشش حمایتی شبکه از جمله خویشاوندان و دوستان مقیم در مقصد برخوردار نباشند. لذا ممکن است به دلیل ضعف اطلاعات، آشنایی کم با مقصد و یا موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی ضعیف‌شان در معرض فشارها و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی قرار گیرند. بنابراین، به منظور کاهش شدت مهاجرت‌ها توسعه اقتصادی استان‌های کهگیلویه و بویر احمد و چهارمحال و بختیاری و سایر استان‌های کم‌برخوردار مهاجرفرست از اولویت‌های اساسی کشور محسوب می‌شود. در کنار این، شناسایی، سازماندهی و حمایت اجتماعی مهاجرین در مقصد و در صورت نیاز پیوند آنان به سازمان‌های حمایتی دولتی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد معتبر اهمیت اساسی داشته و در کاهش فقر و آسیب‌های ناشی از آن مؤثر خواهد بود.

در این مطالعه به تفاوت‌های جنسیتی شبکه‌های مهاجر پرداخته نشد. تفکیک جنسیت، محتوای شبکه‌های مهاجر را تشریح نموده و باعث درک بهتری از علت تأثیر شبکه‌های مهاجر بر الگوهای مهاجرت می‌شود. علاوه بر اینکه زنان و مردان تأثیرات متفاوتی از شبکه‌ها می‌پذیرند، شبکه‌های مهاجر مردانه و زنانه نیز تأثیر متفاوتی بر تصمیمات مهاجرت می‌گذارند. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشی با تمرکز بر تفاوت‌های جنسیتی شبکه مهاجرت انجام گیرد.

منابع

- ارشاد، فرهنگ و عزیز حزباوی (۱۳۸۴). بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون‌کوچی از شهر اهواز، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۲۰.
- اونق، ناز محمد (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و رفاه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- برومندزاده، محمدرضا و رضا نوبخت (۱۳۹۳). مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت، فصلنامه جمعیت، دوره ۲۱، شماره ۹۰-۸۹، صص ۷۳-۹۰.
- رجایی، سیدعباس و بهمن صحنه (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرتی در تهران. مطالعه موردی: رамشه‌ای‌های مقیم تهران. مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۶۳-۴۷.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله (۱۳۹۴). ویژگی‌ها و کارکردهای انجمن‌های زادگاهی شهر تهران، نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال ۵، شماره ۲، صص ۲۰۱-۲۲۵.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله و سیداحمد فیروزآبادی (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری نهادهای پایدار مهاجرین (انجمن‌های زادگاهی) به‌عنوان نهادهایی نو برای توسعه روستایی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۳۱.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۶). نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۲۳، شماره ۳، صص ۱۶۵-۱۸۰.
- شمس‌الدینی، علی و پروین گرجیان (۱۳۸۹). عوامل مؤثر در مهاجرت روستائیان به شهرها، با تأکید بر شبکه مهاجرت (مورد دهستان رستم دو). مجله چشم‌انداز جغرافیایی، سال ۵، شماره ۱۱، صص ۹۲-۷۵.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضایی، تهران: انتشارات کویر.
- قاسمی اردهائی، علی (۱۳۹۲). مهاجرت شبکه‌ای و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱۵، صص ۹۷-۱۲۱.
- قاسمی‌اردهایی علی و حسین محمودیان (۱۳۹۳). انواع و اندازه شبکه‌های مهاجرتی مهاجران از استان آذربایجان شرقی ساکن در استان تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۲۸-۳.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریه‌های مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲: مراحل و روش‌های عملی در روش تحقیق

- کیفی، جلد ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمودیان، حسین و علی قاسمی اردبائی (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مهاجران و باز تولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی: مطالعه کیفی بر جریان مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران، توسعه روستایی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۱۰-۱۲۸.
- محمودیان، حسین، حجه‌بی‌بی رازقی نصرآباد و محمدرضا کارگر شورکی (۱۳۸۸). زنان مهاجر تحصیل‌کرده در تهران، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴: صص ۷۰-۵۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس مسکن، تهران: مرکز آمار ایران.
- Bagchi, A. D. (2001). Migrant Networks and the Immigrant Professional: an Analysis of the Role of Weak Ties. *Population Research and Policy Review*, 20(1-2), 9-31.
- Bourdieu, P. (1985). The Forms of Capital, in Richardson, J. G. (ed.) *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York: Greenwood Press, 241-58.
- Carrington, W. J., E. Detragiach, & T. Vishwanth (1996), Migration with Endogenous Moving Costs, *Economic Review*, 86: 909-930.
- Choldin, H.M. (1973). Kinship Networks in the Migration Process, *International Migration Review*, 7(2): 163-176.
- Curran, S. R., & E. Rivero-Fuentes (2003). *Engendering Migrant Networks: the Case of Mexican Migration*, Demography, 40(2): 289-307.
- De Haas, H. (2010). The Internal Dynamics of Migration Processes: a Theoretical Inquiry. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 36(19): 1587-1617.
- Fawcett, J. T. (1989). Networks, linkages, and Migration Systems. *International Migration Review*, 23(3): 671-680.
- Garip, F. & M. Guo (2013). How Homophily and Consolidation Shape Cumulative Migration Dynamics from Mexico to the United States". Presented in Session 86: International Migration in Population Association of America Annual Meeting.
- Garip, F. (2007). *From Migrant Social Capital Community Development: A Relational Account of Migration, Remittances and Inequality*, Ph.D Thesis, Department of Sociology, Princeton University.
- Glaser, B. G., & A. Strauss (1967). *the Discovery of Grounded Theory: the Strategis for Qualitative Resarch*. Aldine Transaction, a Division of Transaction Publisher.
- Goldin, I. & Cohen, R. (2014). Politics Must Take a Measured View on Migration. Oxford Martin News Opinion, Online. <https://www.oxfordmartin.ox.ac.uk/opinion/view/27>.
- Gomez, R., & E. Santor (2001). Membership has its Privileges: Social Capital, Neighbourhood Characteristics and the Earnings of Micro-finance Borrowers." *Canadian Journal of Economics*, 34(4): 943-966.
- Gurak, D. T., & F. Caces (1992). Migration Networks and the Shaping of Migration Systems. In M. M. Kritz (Ed.), *International migrations systems: A global approach* (pp. 150-176). Oxford: Clarendon Press.
- Gust, A. M., & Stamm, K. R. (1993). Paths of Community Integration". *Sociological Quarterly*, 12(1): 212-220.

- Guzman, M. G., H. Joseph, & P. M. Orrenius (2004). Accounting for Fluctuations in Social Network Usage and Migration Dynamics, Working Paper, Federal Reserve Bank of Dallas.
- Haug, S. (2008). Migration Networks and Migration Decision-Making, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 34(4): 585 -605.
- Heering, L., R. Van der, and L. V. Wissen (2004). The Role of Family Networks and Migration Culture in the Continuation of Moroccan Emigration: A Gender Perspective”, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 30(2): 323-337.
- Hofferth, S. L. & J. Iceland (1998). Social Capital in Rural and Urban Communities, *Rural Sociology*. 63: 574-598.
- Lee, E.S. (1966). A Theory of Migration, *Demography*, 3(1): 47-57.
- Lee, S. W. & C. Roseman (1997). *Individual and Community – Level Factors of Out-Migration in the Philippines Boulder and London*: West View Press.
- Lin, N. (1999). Building a Network Theory of Social Capital.” *Connections*. 22(1): 28-51.
- Lin, N. (2001). *Social Capital A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge University Press.
- Massey, D. S. (1990). Social Structure, Household Strategies & the Cumulative Causation of Migration, *Population Index*, 56: 3-26.
- Massey, D. S., & K. E. Espinosa (1997). What’s Driving Mexico - U.S. Migration? A Theoretical, Emprical Policy Analysis, *American Journal of Sociology*, 102(4):939-999.
- Massey, D. S., Arango, J., Graeme, H., Kouaouci, A., Pellegrino, A., & J. E. Taylor (1993). Theories of International Migration: a Review and Appraisal. *Population and Development Review*, 19, 431–466.
- Massey, D. S., R. Alarcón, J. Durand, & H. González (1987). *Return to Aztlan. The social process of international migration from Western Mexico*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Massey, D., A. Arango, G. Hugo, A. Kouaouci, A. Pellegrino, & J. E. Taylor (2005). *Worlds in motion: Understanding international migration at the end of the millennium*. Oxford: Clarendon Press.
- McKenzie, D. & H. Rapoport (2006). Self-Selection Patterns in Mexico-U.S. Migration: The Role of Migration Networks, *Discussion Paper Series, CDP No 01/07*, Meeting of the European Society for Population Economics.
- Merriam, S. (2009). *Qualitative research: A guide to design and implementation*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Mitchell, J. C. (1969). *The Concept and Use of Social Network*. Manchester University Press.
- Neuendorf, K. A. (2002). *The content analysis guidebook*. London: Sage.
- Pellegrino, A. (2004). Migration from Latin America to Europe: Trends and policy challenges. Geneva: IOM Research Series 16.
- Piotrowski, L. (2006). Quantum Empowerment: A Grounded Theory for the Realization of Human Potential (Doctoral dissertation). Retrieved from ProQuest Dissertation & theses database. (UMI No. 3240834)
- Portes, A. (1995). Economic Sociology and the Sociology of Immigration: A Conceptual Overview, in Portes, A. (ed.) *the Economic Sociology of Immigration*:

- Essays on Networks, Ethnicity, and Entrepreneurship. New York: Russell Sage Foundation, 1-41.
- Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton University Press.
- Ryan, L. (2011). Migrants' social networks and weak ties: accessing resources and constructing relationships post-migration. *The Sociological Review*, 59(4): 707–724.
- Somerville, K. (2011). Strategic Migrant Network Building and Information Sharing: Understanding 'Migrant Pioneers' in Canada. *International Migration*, 53(4):135–154.
- Teteryatnikova, M. (2008). *The Effects of Social Networks on Migration Decisions: Destination Choice and Local Variations in 19th Century Italian Emigration*. Working Paper, European University Institute.
- Tilly, C., & H. C. Brown (1967). On Uprooting, Kinship, and the Auspices of Migration." *International Journal of Comparative Sociology*, 8(2): 139-164.
- Timmermans, S. & Tavory, I. (2012). Theory Construction in Qualitative Research: From Grounded Theory to Abductive Analysis, *Sociological Theory*, 30 (3):167 – 186.
- Tsuda, T. (1999). The Permanence of "Temporary" Migration: the "Structural Embeddedness" of Japanese-Brazilian immigrant workers in Japan. *Journal of Asian Studies*, 58: 687–722.
- Van Meeteren, M. & S. Pereira (2018). Beyond the 'Migrant Network'? Exploring Assistance Received in the Migration of Brazilians to Portugal and the Netherlands. *Int. Migration & Integration* 19: 925–944.
- Walker, Ch. (2010). Space, Kinship Networks and Youth Transition in Provincial Russia: Negotiating Urban–Rural and Inter-Regional Migration, *Europe-Asia Studies*, 62(4): 647-669.
- Wasserman, S. & K. Faust (1994). *Social Network Analysis: Methods and Applications*, Cambridge University Press.

Role of Migration Networks in Shaping the Flow of Migration from Shahrekord to Isfahan

Maliheh Alimondegari*, Hajiieh Bibi Razeghi Nasrabad**,
Arezo Mahmoodi***

Abstract

The migration networks is a form of spatial movement of population groups between two relatively distant regions. This population mobility is achieved by expanding a set of relationships between individuals at the origin and destination. The purpose of this article is to investigate the role of migration networks in shaping the flow of migration from Shahrekord to Isfahan. The research method is qualitative and purposive sampling method was employed. In this study, considering the criterion of theoretical saturation, 25 immigrants who have resided in Isfahan for at least two years have been interviewed in 2019. The data were coded and categorized by content analysis method. Immigration networks included kinship networks, family networks, friendship networks, and local immigrant networks. Networks facilitated the migration, and individuals decided to migrate by identifying, then connecting and relationship with networks. Networks have reduced the time required to adapt to the destination by providing a variety of information, financial, social, emotional and occupational support and reducing immigration costs. In this way, networks helps people to realise their intention and decision by facilitating and accelerating the migration process.

Keywords: Migration, Migration Networks, Social Capital, Isfahan, Shahrekord.

* Assistant Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, E-mail: m.alimondegari@yazd.ac.ir

** Associate Professor of Demography, Research Department of Family Studies, National Institute for Population Research, Tehran, Iran (Corresponding Author), E-mail: hajiieh.razeghi@nipr.ac.ir ; hajiieh.razeghi@gmail.com

*** Graduate of the Master of Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, E-mail: amahmodi724@gmail.com